سُوْرَةُ الْبَقَرَة

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

الٓمٓ ﴿١﴾

ذٰلِكَ الْكِتٰبُ لَا رَيْبَ ۛ فِيْهِ ۛ هُدًى لِّلْمُتَّقِيْنَ ﴿٢﴾

الَّذِيْنَ يُؤْمِنُوْنَ بِالْغَيْبِ وَ يُقِيْمُوْنَ الصَّلٰوةَ وَمِمَّا
رَزَقْنٰهُمْ يُنْفِقُوْنَ ﴿٣﴾

وَالَّذِيْنَ يُؤْمِنُوْنَ بِمَآ اُنْزِلَ اِلَيْكَ وَمَآ اُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ ۚ
وَبِالْاٰخِرَةِ هُمْ يُوْقِنُوْنَ ﴿٤﴾

اُولٰٓئِكَ عَلٰى هُدًى مِّنْ رَّبِّهِمْ ۗ وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ ﴿٥﴾

اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا سَوَآءٌ عَلَيْهِمْ ءَاَنْذَرْتَهُمْ اَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ
لَا يُؤْمِنُوْنَ ﴿٦﴾

خَتَمَ اللّٰهُ عَلٰى قُلُوْبِهِمْ وَعَلٰى سَمْعِهِمْ ۗ وَعَلٰٓى اَبْصَارِهِمْ
غِشَاوَةٌ ۫ وَّلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيْمٌ ﴿٧﴾

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَّقُوْلُ اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَبِالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَمَا هُمْ
بِمُؤْمِنِيْنَ ﴿٨﴾

يُخٰدِعُوْنَ اللّٰهَ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا ۚ وَمَا يَخْدَعُوْنَ اِلَّآ اَنْفُسَهُمْ
وَمَا يَشْعُرُوْنَ ﴿٩﴾

سوره بقره مدنی است و آن دوصد و هشتادو شش آیات وچهل رکوع ست

بنام خدای بخشاینده مهربان .

الٓمٓ (١) .

این کتاب هیچ شبهه نیست درآن رهنماست پرهیزگاران را (٢) .

آنانکه ایمان می آرند به نادیده و برپامی دارند نمازرا وازآنچه ایشان را روزی داده ایم خرج می کنند (٣) .

وآنانکه ایمان می آرند بآنچه فرودآورده شده بسوی تو وآنچه فرود آورده شده پیش ازتو و بآخرت ایشان یقین دارند (٤) .

ایشانند برهدایت ازجانب پروردگار خویش و ایشانند رستگاران (٥) .

هرآئینه آنانکه کافرشدند برابراست برایشان که بترسانی ایشان را یا نه ترسانی ایشان را ایمان نیارند (٦) .

مهرنهاد خدا بر دلهای ایشان وبرشنوائی ایشان ـ وبرچشمهای ایشان پرده ایست و ایشان راست عذاب بزرگ (٧) .

وازمردمان کسی هست که می‌گوید ایمان آوردیم بخدا و بروز بازپسین ونیستند ایشان مومنان (٨) .

فریب می دهند خدا را و مومنان را و بحقیقت نمی فریبند مگر خودرا و نمی فهمند (٩) .

فِیْ قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللّٰهُ مَرَضًا ۚ وَلَهُمْ عَذَابٌ
اَلِیْمٌۢ بِمَا كَانُوْا یَكْذِبُوْنَ ﴿١٠﴾

در دلهای ایشان بیماری ست پس افزون داد بایشان خدا بیماری وایشان راست عـذاب درد دهنـده ببسـب آنکـه دروغ می گفتند (١٠) .

وَاِذَا قِیْلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوْا فِی الْاَرْضِ ۙ قَالُوْۤا اِنَّمَا نَحْنُ
مُصْلِحُوْنَ ﴿١١﴾

وچون گفته شود ایشان را تباه کاری مکنید درزمین، گویند جزاین نیست که مااصلاح کاریم (١١) .

اَلَاۤ اِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُوْنَ وَلٰكِنْ لَّا یَشْعُرُوْنَ ﴿١٢﴾

آگاه شو به تحقیق ایشانند تباه کاران ولیکن آگاه نمی شوند (١٢) .

وَاِذَا قِیْلَ لَهُمْ اٰمِنُوْا كَمَاۤ اٰمَنَ النَّاسُ قَالُوْۤا اَنُؤْمِنُ كَمَاۤ
اٰمَنَ السُّفَهَآءُ ؕ اَلَاۤ اِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَآءُ وَلٰكِنْ
لَّا یَعْلَمُوْنَ ﴿١٣﴾

وچون گفته شود ایشان را که ایمان آرید چنانکه ایمان آوردند مردمان، گویند آیا ایمـان آریـم چنـانچـه ایمـان آوردنـد بیخردان؟ آگاه شوبتحقیق ایشانند بی خردان ولیکن نمی دانند(١٣) .

وَاِذَا لَقُوا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا قَالُوْۤا اٰمَنَّا ۚۖ وَاِذَا خَلَوْا اِلٰی
شَیٰطِیْنِهِمْ ۙ قَالُوْۤا اِنَّا مَعَكُمْ ۙ اِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِءُوْنَ ﴿١٤﴾

ووقتیکه ملاقات می کنند بااهلِ ایمان گویند ایمان آورده ایم و چون تنها شوند بـاشیـاطین خـود(١) گـوینـد هـر آئینـه ماباشمائیم جزایـن نیسـت که ماتمسخر می کنیم(١٤) .

اَللّٰهُ یَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَیَمُدُّهُمْ فِیْ طُغْیَانِهِمْ یَعْمَهُوْنَ ﴿١٥﴾

خدا تمسخرمی کند به ایشان و مهلت میدهد ایشان را در گمراهی خویش سرگشته شده(١٥) .

اُولٰٓئِكَ الَّذِیْنَ اشْتَرَوُا الضَّلٰلَةَ بِالْهُدٰی ۪ فَمَا رَبِحَتْ تِّجَارَتُهُمْ
وَمَا كَانُوْا مُهْتَدِیْنَ ﴿١٦﴾

ایشان آنکسانند که خریدند گمراهی را عوضِ هدایت پس سود نیافت تجارت ایشان و راه یاب نشدند (١٦) .

مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِی اسْتَوْقَدَ نَارًا ۚ فَلَمَّاۤ اَضَآءَتْ مَا حَوْلَهٗ

داستانِ ایشان مانند داستانِ کسی ست که

---

(١) یعنی رئیسانِ خود .

ذَهَبَ اللّٰهُ بِنُوْرِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِیْ ظُلُمٰتٍ لَّا یُبْصِرُوْنَ ﴿۱۷﴾

افروخت آتش را پس چون روشن کرد آتش دوربر اورا دورساخت خدا نوراین گروه را و بگذاشت ایشان را درتاریکی ها هیچ نه بینند(۱۷) .

صُمٌّۢ بُكْمٌ عُمْیٌ فَهُمْ لَا یَرْجِعُوْنَ ﴿۱۸﴾

کرانند گنگانند کورانند پس ایشان بازنمی گردند[۱] (۱۸) .

اَوْ كَصَیِّبٍ مِّنَ السَّمَآءِ فِیْهِ ظُلُمٰتٌ وَّرَعْدٌ وَّبَرْقٌ ۚ یَجْعَلُوْنَ
اَصَابِعَهُمْ فِیْۤ اٰذَانِهِمْ مِّنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ ؕ وَاللّٰهُ مُحِیْطٌۢ
بِالْكٰفِرِیْنَ ﴿۱۹﴾

یا داستان ایشان مانند باران تنداست آمده از آسمان که باشد دروی تاریکی ها ورعد و برق درمی آرند انگشتانِ خودرا در گوشهای خود بسبب آواز های پُرهول از ترسِ مرگ، وخدااحاطه کننده است کافرانَ را (۱۹) .

یَكَادُ الْبَرْقُ یَخْطَفُ اَبْصَارَهُمْ ؕ كُلَّمَاۤ اَضَآءَ لَهُمْ مَّشَوْا فِیْهِ ۙ
وَاِذَاۤ اَظْلَمَ عَلَیْهِمْ قَامُوْا ؕ وَلَوْ شَآءَ اللّٰهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ
وَاَبْصَارِهِمْ ؕ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ ﴿۲۰﴾

نزدیك ست که برق بُرباید چشمهای ایشان را، هرگاه روشنی دهد برق ایشان را راه روند درآن روشنی و چون تاریکی دهد برایشان بایستند واگر خدامی خواست هر آئینه می‌برد شنوائی ایشان را ودیده های ایشان را هر آئینه خدا برهمه چیز توانااست[۲] (۲۰) .

یٰۤاَیُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوْا رَبَّكُمُ الَّذِیْ خَلَقَكُمْ
وَالَّذِیْنَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ ﴿۲۱﴾

ای مردمان بپرستید پروردگار خویش را آنکه آفریدشمارا وکسانی را که پیش

---

(۱) مترجم گوید که حاصل مثل آنست که اعمال منافقان همه نابود شود چنانکه روشنی آن جماعت دورشد .

(۲) مترجم گوید که حاصل مثل آن ست که منافقان درظلمات نفسانی افتاده اند وچون مواعظه بلیغه شنوند فی الجمله ایشان را تنبیهی می شودوآن فائده نکند مانند مسافران که درشبِ تاریك و ابرحیران باشند ودربرق دوسه قدم بروند وبازایستند والله اعلم .

ازشمابوده اند تادرپناه شوید[1] (٢١) .

الَّذِیْ جَعَلَ لَكُمُ الْاَرْضَ فِرَاشًا وَّالسَّمَآءَ بِنَآءً ۪ وَّاَنْزَلَ مِنَ السَّمَآءِ
مَآءً فَاَخْرَجَ بِهٖ مِنَ الثَّمَرٰتِ رِزْقًا لَّكُمْ ۚ فَلَا تَجْعَلُوْا لِلّٰهِ اَنْدَادًا
وَّاَنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ﴿٢٢﴾

آنکه ساخت برای شما زمین را بساطی و آسمان را سقفی و فرود آورد ازآسمان آب پس بیرون آورد بسبب وی ازانواع میوه ها روزی برای شما پس مقرر مکنید همتایان برای خدا درحالیکه شمامیدانید (٢٢) .

وَاِنْ كُنْتُمْ فِیْ رَیْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلٰی عَبْدِنَا فَاْتُوْا بِسُوْرَةٍ مِّنْ
مِّثْلِهٖ ۪ وَادْعُوْا شُهَدَآءَكُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ اِنْ كُنْتُمْ
صٰدِقِیْنَ ﴿٢٣﴾

واگر هستید درشبهه ازآنچه فرود آوردیم بربندهٔ خود (یعنی ازقرآن) پس بیاریدیك سوره مانندآن وبخوانید مددگاران خودرا بغیراز خدا اگر هستید راست گو (٢٣) .

فَاِنْ لَّمْ تَفْعَلُوْا وَلَنْ تَفْعَلُوْا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِیْ وَقُوْدُهَا
النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ ۚ اُعِدَّتْ لِلْكٰفِرِیْنَ ﴿٢٤﴾

پس اگرنکردید والبته نتوانید کردن پس حذرکنید ازآن آتشی که آتش انگیز وی[2] مردمان وسنگهاباشند آماده کرده شده است برای کافران (٢٤) .

وَبَشِّرِ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ اَنَّ لَهُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِیْ مِنْ
تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ ۚ كُلَّمَا رُزِقُوْا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِّزْقًا ۙ قَالُوْا هٰذَا
الَّذِیْ رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ ۙ وَاُتُوْا بِهٖ مُتَشَابِهًا ۚ وَلَهُمْ فِیْهَآ اَزْوَاجٌ
مُّطَهَّرَةٌ ۙ وَّهُمْ فِیْهَا خٰلِدُوْنَ ﴿٢٥﴾

وبشارت ده آنکسان را که ایمان آورده اند وکردند کارهای شائسته بآنکه ایشان راست بوستانها میرود زیرِآن جویهاهر گاه داده شوند ازآنجاروزی ازقسم میوه، گویند این هما نست که داده شده بودیم پیش ازین وآورده شود بایشان آنروزی مانند یکدیگر[3] وایشان راست درآنجازنان پاك کرده شده وایشان درآنجاجاویدند (٢٥) .

---

(١) تاپرهیزگارشوید .

(٢) یعنی هیزمهای وی .

(٣) یعنی غبارِفقد ان مرغوب هیچ ساعت بخاطرایشان نه نشیند والله اعلم .

إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَن يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا ۚ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ ۖ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَٰذَا مَثَلًا ۘ يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا ۚ وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ ﴿٢٦﴾

هر آئینه خدا شرم نمیکندازآنکه بزند مثال پشه وبالاترازآن ، اماآنانکه ایمان آورده اند میدانند که این مثال راست است از پروردگار ایشان واماآنانکه کافرند می گویند چه چیزخواسته است خدا باین مثال خداگمراه میکند بسبب وی بسیاری را و هدایت میکند بسبب وی بسیاری را و گمراه نمی کند به آن مگربدکاران را (٢٦).

الَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِن بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَن يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ ۚ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٢٧﴾

(آن فاسقان)[1] که می شکنند پیمان خدارا بعد بستن آن ومی بُرند آنچه خدافرموده است بپیوستن آن وفساد می‌کنند در زمین ایشانند زیَان کاران (٢٧).

كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ۖ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٨﴾

چگونه کافرشوید بخدا وحال آنکه بودید بی جان پس زنده گردانیدشمارا، بعدازآن بمیراندشمارا بازرنده گرداندشمارا بازبسوی وی باز گردانیده شوید (٢٨) .

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُم مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ ۚ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٢٩﴾

وی آنست که بیافریدبرای شما هر چه در زمین ست همه را بازمتوجه شد به سوی آسمان پس ساخت آن راهفت آسمان واو به همه چیز داناست (٢٩) .

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ۖ قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ

ویادکن چون گفت پروردگارتوبه فرشتگان که من آفریننده ام درزمین جانشینی را گفتندآیا می آفرینی درزمین

---

(١) کافران چون ذکر پشّه وعنکبوت در قرآن شنیدند طعن کردند و گفتند که خدای تعالی بذکراین چیزهای خسیس چه اراده کرده است این آیت نازل شد والله اعلم .

بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّيٓ أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٣٠﴾

کسی را که فساد کند دروی وخونریزی کند وما تسبیح می گوئیم بحمدتووبه پاکی اقرارمی کنیم برای تو- فرمود هر آئینه من میدانم آنچه شما نمی دانید (۳۰) .

وَعَلَّمَ ءَادَمَ ٱلْأَسْمَآءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى ٱلْمَلَٰٓئِكَةِ فَقَالَ أَنۢبِـُٔونِى بِأَسْمَآءِ هَٰٓؤُلَآءِ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ﴿٣١﴾

وبیاموخت خدا آدم را نامهای همه مخلوقات باز عرضه کرد آن چیزهارا برفرشتگان پس گفت خبردهید مرا بنام های این چیزها اگرشماراست گوهستید (۳۱) .

قَالُوا۟ سُبْحَٰنَكَ لَا عِلْمَ لَنَآ إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَآ إِنَّكَ أَنتَ ٱلْعَلِيمُ ٱلْحَكِيمُ ﴿٣٢﴾

گفتند به پاکی یاد می کنیم ترا هیچ دانش نیست مارا مگر آنچه توآموختی بما هر آئینه توئی دانای باحکمت (۳۲) .

قَالَ يَٰٓـَٔادَمُ أَنۢبِئْهُم بِأَسْمَآئِهِمْ فَلَمَّآ أَنۢبَأَهُم بِأَسْمَآئِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُل لَّكُمْ إِنِّيٓ أَعْلَمُ غَيْبَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنتُمْ تَكْتُمُونَ ﴿٣٣﴾

فرمود ای آدم خبرده فرشتگان را بنام های این ها، پس چون خبرداد ایشان را به نام های این ها فرمود آیانه گفته بودم شمارا که هر آئینه من میدانم پنهان آسمان ها وزمین را ومیدانم آنچه آشکارا می کنید و آنچه پوشیده می داشتید (۳۳) .

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَٰٓئِكَةِ ٱسْجُدُوا۟ لِـَٔادَمَ فَسَجَدُوٓا۟ إِلَّآ إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَٱسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿٣٤﴾

وچون گفتیم به فرشتگان سجده کنید آدم را، پس سجده کردند مگرابلیس قبول نکرد وسرکشی نمود وگشت ازکافران (۳٤) .

وَقُلْنَا يَٰٓـَٔادَمُ ٱسْكُنْ أَنتَ وَزَوْجُكَ ٱلْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَٰذِهِ ٱلشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٣٥﴾

وگفتیم ای آدم بمان تو و زنِ تو دربهشت وبخورید ازبهشت خوردن بسیار هرجاکه خواهید ونزدیك مشوید باین درخت که خواهیدشد ازستمگاران (۳۵) .

فَأَزَلَّهُمَا ٱلشَّيْطَٰنُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا

پس بلغزانید هردورا شیطان ازآنجاپس برآورد ایشان را ازآن نعمتهاکه بودنددرآن

اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ ۚ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ
وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ﴿٣٦﴾

وفرموديم فرودآئيد بعضِ شمادشمن باشدبعضى راوشماراهست در زمين آرام گاه وبهره مندى تامدتى (٣٦) .

فَتَلَقَّىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ ۚ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ
الرَّحِيمُ ﴿٣٧﴾

پس فرا گرفت آدم ازپروردگار خود سخنى چند پس قبول كردخداوندتوبه اورا بمهربانى خود، بيشك اوتوبه قبول كنندهٔ مهربانست[1] (٣٧) .

قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا ۖ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ
هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٣٨﴾

فرموديم فرودآئيد از آنجاهمه شما پس اگر بيايد به شما ازمن هدايتى پس هركه پيروى كرد هدايتِ مرا هيچ ترس نيست برآن جماعت ونه ايشان اندوه خورند (٣٨).

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ
فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٣٩﴾

وكسانيكه كفرورزيدند وتكذيب كردند آياتهاى ماراايشان اند باشندگانِ دوزخ، ايشان درآنجاجاويدند (٣٩) .

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا
بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ ﴿٤٠﴾

اى[2] فرزندان يعقوب يادكنيد آن نعمت مراكه ارزانى داشتم برشما ووفاكنيد به پيمان من تاوفاكنم پيمان شمارا وتنها ازمن بترسيد (٤٠) .

وَآمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ
كَافِرٍ بِهِ ۖ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ ﴿٤١﴾

وايمان آريد بآنچه فرود آورده ام درحاليكه باور كننده آنچه باشماست ومباشيد نخستين منكراو ومستانيدعوض آيتهاى من بهاى اندك را تنهاازمن بترسيد (٤١).

---

(١) وآن كلمات اين ست رَبَّنَا ظَلَمنَا انفُسَنَا وَ اِن لَم تَغفِرلَنَا وَتَرحَمنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الخٰسرينَ والله اعلم .

(٢) مترجَم گويد خداى تعالى بنى اسرائيل رانعمتهاى خود ياد آورى ومعجزه هائىكه درين قوم ظاهرشده بودذكر فرمود آنگاه شبهات وهفوات ايشان را ردكرد بدلائل واين قصه ممتداست تاقوله تعالى وَاِذابتَلَىٰ اِبراهِيمَ رَبُّهُ .

وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٤٢﴾

وخلط مکنید راست را باناراست وپنهان مکنید راست را درحالیکه شمامیدانید، (٤٢) .

وَأَقِيمُوا الصَّلٰوةَ وَآتُوا الزَّكٰوةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرّٰكِعِينَ ﴿٤٣﴾

وبرپادارید نمازرا وبدهید زکوٰة را ونماز گذارید بانماز گذارندگان (٤٣) .

أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ
الْكِتٰبَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٤٤﴾

آیامی فرمائید مردمان را به نیکوکاری و فراموش میکنید خویشتن را و شما می‌خوانید کتاب (یعنی تورات) راآیا نمی فهمید (٤٤) .

وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلٰوةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخٰشِعِينَ ﴿٤٥﴾

ومددطلبید[1] به شکیبائی ونماز۔ وهرآئینه نماز دشوار ست مگربرفروتنان (٤٥) .

الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلٰقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رٰجِعُونَ ﴿٤٦﴾

آنانکه میدانند که ایشان ملاقات خواهند کرد باپروردگار خویش و آنکه ایشان بسوی وی بازخواهندگشت (٤٦) .

يٰبَنِيٓ إِسْرَآءِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِيٓ أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي
فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعٰلَمِينَ ﴿٤٧﴾

ای فرزندان یعقوب یادکنید آن نعمت مرا که ارزانی داشته ام برشما وآنکه فضل دادم شمارا برهمه عالم ها[2] (٤٧) .

وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ
مِنْهَا شَفٰعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ﴿٤٨﴾

وحذرکنید ازآن روزکه کفایت نه کند هیچکس ازکس چیزی را و پذیرفته نه شود ازهیچ کس شفاعت و گرفته نشود ازهیچ کسی عوض ونه ایشان یاری داده شوند (٤٨) .

وَإِذْ نَجَّيْنٰكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوٓءَ الْعَذَابِ
يُذَبِّحُونَ أَبْنَآءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَآءَكُمْ وَفِي ذٰلِكُمْ بَلَآءٌ مِنْ

(یاد کنید نعمت من) آنوقت که رهانیدیم شمارا از آلِ فرعون میرسانیدند بشما سخت ترین عذاب ذبح میکردند پسرانِ

---

(١) یعنی درجمیع حاجات و مصائب والله اعلم .

(٢) یعنی عالمیان آن زمان .

رَبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿٤٩﴾

شمارا وزنده میگذاشتند دختران شمارا
ودرین کار آزمائشی بزرگ بود از جانب
پروردگار شما[1] (٤٩) .

وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ الْبَحْرَ فَأَنجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ
وَأَنتُمْ تَنظُرُونَ ﴿٥٠﴾

وآنوقت که شگافتیم برای شما دریارا پس
خلاص کردیم شمارا و غرق ساختیم کسانِ
فرعون را وشما میدیدید (٥٠) .

وَإِذْ وٰعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ
مِن بَعْدِهِ وَأَنتُمْ ظَالِمُونَ ﴿٥١﴾

وآن[2] وقت که میعاد مقرر کردیم باموسیٰ
چهل شب پس گرفتید گوساله[3] راپس
ازرفتن موسی وشماستمگار بودید (٥١) .

ثُمَّ عَفَوْنَا عَنكُم مِّن بَعْدِ ذَٰلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٥٢﴾

پس درگزرانیدیم ازشما بعدازین تابُوَدکه
شما سپاسگذاری کنید (٥٢) .

وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿٥٣﴾

وآنوقت که دادیم موسیٰ را کتاب و
حجت تابُوَدکه شماراه یابید (٥٣) .

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنفُسَكُم
بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ
ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِندَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ
هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿٥٤﴾

وآن وقت که گفت موسی قوم خودرا ای
قوم من هر آئینه شما ستم کردید
برخویشتن بفرا گرفتن گوساله پس باز آئید
بسوی آفرید گارخود بکشید خویشتن را
این بهتر ست شمارا نزد آفرید گارِ شما
پس پذیرفت خداوند توبه شمارا
بمهربانی خود هر آئینه اوست توبه پذیر

(۱) مترجم گوید سبب کشتن پسران آن بودکه کاهنان فرعون راخبرداده بودند که در بنی اسرائیل پسری پیدا شود که باعث برافتادن پادشاهی اوگردد .

(۲) مترجم گویدکه خداموسیٰ علیه السلام راوعده دادکه چهل شب درطور معتکف شودتاتورات عطا فرمائیم درین مدت بنی اسرائیل بفریب سامری گوساله پرستی اختیار کردند خدای تعالی بعد عودِ موسیٰ حکم فرمود که بعض ایشان بعض رابکشند واین توبه ایشان ست .

(۳) یعنی معبود ساختید .

مهربان (٥٤) .

وَإِذْ قُلْتُمْ يٰمُوسٰى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتّٰى نَرَى اللّٰهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصّٰعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴿٥٥﴾

و[1] آن وقت كه گفتيد اى موسىٰ هرگزباورنداريم ترا تاآنكه به بينيم خدارا آشكارا پس گرفت شمارا صاعقه وشما ميديديد (٥٥) .

ثُمَّ بَعَثْنٰكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٥٦﴾

باز زنده گردانيديم شمارا پس ازمردنِ شما ، تاشماشكرگزارى كنيد[2] (٥٦) .

وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوٰى كُلُوا مِنْ طَيِّبٰتِ مَا رَزَقْنٰكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلٰكِنْ كَانُوٓا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٥٧﴾

وسايبان ساختيم برشما ابررا وفرود آورديم برشما مَنْ و سلوى را ، گفتيم بخوريد ازپاكيزه هاى آنچه داديم شمارا ـ وايشان ستم نه كردند برما وليكن بر خويش ستم ميكردند (٥٧) .

وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هٰذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَكُمْ خَطٰيٰكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٨﴾

وآن وقت كه گفتيم درآئيد درين ده[3] پس بخوريد ازآنجا بافزونى هرجاكه خواهيد خوردنى گوارا ودرآئيد به دروازه سجده كنان وبگوئيد سوالِ ماآمرزش ست تا بيامرزيم شمارا گناهان

---

(۱) مترجم گويد موسىٰ عليه السلام هفتاد كس راازبنى اسرائيل با خود بُرد تاباوى كلام الهى استماع نمايند ايشان بعد ازشنيدن خواهانِ رويت شدند ودرطلب آن پاازحدِ ادب بيرون نهادند خداى تعالى آن همه رابصاعقه بسوخت وبازبدعاى موسىٰ زنده ساخت اشارت باين قصه است اين آيت .

(۲) بنى اسرائيل مامورشدند به جهاد عمالقه وايشان درآن باب تغافل كردند پس معاقب شدند بافتادن دربيابان چهل سال و آنجاچون آب و طعام وخيمه ها مفقود شد خداى تعالى به دعاى موسىٰ عليه السلام مَنّ وسلوىٰ نازل ساخت وازسنگى دوازده چشمه روان كردوابرراسايبان گردانيد قدراين نعمتها نشناختندوكفرانِ نعمت كردند اشارت بدين قصه است اين آيت .

(۳) يعنى دهى كه درزمان حضرت موسىٰ فتح شده بود .

شما وزیاده خواهیم دادنکوکاران را (٥٨) .

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنزَلْنَا
عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا
يَفْسُقُونَ ﴿٥٩﴾

پس بدل کردند کسانیکه ستمگار بودندسخنی بجزآنچه فرموده شدایشان را[1] پس فرودآوردیم برآن ستمگاران عذابی از آسمان بسبب بدکاربودن ایشان (٥٩) .

وَإِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِب بِّعَصَاكَ الْحَجَرَ
فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ
مَّشْرَبَهُمْ كُلُوا وَاشْرَبُوا مِن رِّزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْثَوْا فِي
الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿٦٠﴾

وآنوقت که آب خواست موسی برای قوم خود پس گفتیم بزن بعصای خود سنگ را پس روان شدازسنگ دوازده چشمه بدانست هر قوم آب خوردِ خودرا[2] گفتیم بخورید وبنوشید ازروزی خدا و فساد مکنید درزمین تباهی کنان (٦٠) .

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَن نَّصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا
رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنبِتُ الْأَرْضُ مِن بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا
وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي
هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُم مَّا
سَأَلْتُمْ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ
مِّنَ اللَّهِ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ
وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوا
وَّكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿٦١﴾

وآن وقت که گفتید ای موسی هرگز شکیبائی نه کنیم بریك طعام پس طلب برای ماازپروردگار خودتابیرون آردبرای ماازآن جنس که میرویاندش زمین ازتره وی وبادرنگ وی وگندم وی وعدس وی وپیازوی ـ گفت موسی آیا بدل می کنید آنچه وی فروترست برآنچه وی بهترست ـ فرودآئید بشهری پس هر آئینه باشدشمارا آنچه خواستید، وزده شد[3] برایشان خواری وبی نوائی وبازگشتند بخشمی ازخدا این بسبب آنست که باورنمی

(١) یعنی بجای حِطته حِنطته گفتند .

(٢) یعنی بنی اسرائیل دوازده قبیله بودند برای هر قبیله یك چشمه معین شد والله اعلم .

(٣) یعنی فرود آورده شد .

داشتند آیت های خدارا ومی کشتند پیغامبران را به ناحق این بسبب گناه کردن ایشان است وآنکه ازحد در می گذشتند (٦١) .

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَىٰ وَالصَّابِئِينَ
مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ
عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ٦٢

هر آئینه آنانکه مسلمان شدند وآنانکه یهود شدند و نصاریٰ و بی دینان هرکه ازایشان ایمان آردبخدا وبروزبازپسین وکردکارِ شائسته پس ایشان راست مزد ایشان نزد پروردگار ایشان ونه ترس بُوَدبرایشان ونه ایشان اندوهگین شوند[١] (٦٢) .

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا
آتَيْنَاكُم بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ٦٣

وآن وقت که گرفتیم پیمان شمارا وبرداشتیم بالای شما طوررا گفتیم بگیرید آنچه داده ایم شمارا باستواری[٢] ویاد کنید آنچه درآنست تابُوَد که درپناه شوید (٦٣) .

ثُمَّ تَوَلَّيْتُم مِّن بَعْدِ ذَٰلِكَ ۖ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ
وَرَحْمَتُهُ لَكُنتُم مِّنَ الْخَاسِرِينَ ٦٤

باز روگردانیدید بعد ازین پس اگر نمی بود بخشائش خدا برشماومهربانی او هر آئینه می شدیداز زیان کاران (٦٤) .

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا مِنكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ
كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ٦٥

وهر آئینه دانسته اید آن کسانرا که ازحد درگذشتند ازشما درشنبه[٣] پس گفتیم ایشان را بوزینه شوید خوارشده (٦٥) .

---

(١) حاصل معنی آیت آنکه آدمی دراصل ازهرفرقه که باشد چون ایمان آورد ازاهل نجات بود خصوصیتِ فرقه معتبر نیست .

(٢) یعنی احکام تورات .

(٣) یعنی شکار کردند وشکار کردن در روزشنبه دردین بنی اسرائیل حرام بود .

فَجَعَلْنٰهَا نَكَالًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً
لِّلْمُتَّقِيْنَ ﴿٦٦﴾

پس ساختیم این قصه را عبرتی برای آن قوم که در آن دِه بودند[۱] وآن قوم که پس ازایشان آیند و پندی پرهیزگاران را (٦٦) .

وَاِذْ قَالَ مُوْسٰى لِقَوْمِهٖٓ اِنَّ اللّٰهَ يَاْمُرُكُمْ اَنْ تَذْبَحُوْا بَقَرَةً ۭ
قَالُوْٓا اَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا ۭ قَالَ اَعُوْذُ بِاللّٰهِ اَنْ اَكُوْنَ مِنَ
الْجٰهِلِيْنَ ﴿٦٧﴾

و[۲] آنوقت که گفت موسی بقوم خود هر آئینه خدا می فرمایدشمارا به کشتن گاوی گفتند آیامارا مسخره می گیری ؛ گفت پناه می‌گیرم بخدا ازآنکه باشم ازنادانان (٦٧) .

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَّنَا مَا هِىَ ۭ قَالَ اِنَّهٗ يَقُوْلُ
اِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا فَارِضٌ وَّلَا بِكْرٌ ۭ عَوَانٌۢ بَيْنَ ذٰلِكَ ۭ
فَافْعَلُوْا مَا تُؤْمَرُوْنَ ﴿٦٨﴾

گفتند سوال کن برای ماازپروردگار خود تابیان کند برای ماچیست آن گاو گفت هر آئینه خدا می‌فرمایدکه هر آئینه وی گاوی است نه پیرونه جوان میانه است درمیان این وآن پس عمل کنید به آنچه فرموده شدید (٦٨) .

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَّنَا مَا لَوْنُهَا ۭ قَالَ اِنَّهٗ يَقُوْلُ
اِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاۗءُ ۙ فَاقِعٌ لَّوْنُهَا تَسُرُّ النّٰظِرِيْنَ ﴿٦٩﴾

گفتند سوال کن برای ماازپروردگار خودتابیان کند برای ماچیست رنگ آن گاو، گفت هر آئینه خدا میفرمایدکه وی گاویست زرد، پُر رنگ آن قدر که خوش میکند بینندگان را (٦٩) .

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَّنَا مَا هِىَ ۙ اِنَّ الْبَقَرَ تَشٰبَهَ عَلَيْنَا ۭ
وَاِنَّآ اِنْ شَاۗءَ اللّٰهُ لَمُهْتَدُوْنَ ﴿٧٠﴾

گفتند سوال کن برای ما ازپروردگار خودتابیان کند برای ماچگونه است آن گاو هر آئینه گاوان مشتبه شدندبرما وهر آئینه اگر خواسته است خدا راه

---

(۱) یعنی درآن زمانه حاضر بودند .

(۲) مترجم گویدشخصی راازبنی اسرائیل کشته یافتند وکشنده آن معلوم نه بود خدای تعالی حکم فرمودکه گاوی را ذبح کنند وبعض وی رابرآن مقتول بزنند تازنده شود وازقاتلان خود خبر دهد القصه گاؤرابه مبلغ خطیرخرید کردند وبزدند مقتول زنده شدوپسران عم خود رانام بردکه ایشان کشتند پس قاتلان رابقصاص رسانیدند ازآن بازقاتل را ازمیراث محروم ساختند والله اعلم .

قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي
الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَّا شِيَةَ فِيهَا قَالُوا الْآنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ
فَذَبَحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ ﴿٧١﴾

وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَأْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَّا كُنتُمْ
تَكْتُمُونَ ﴿٧٢﴾

فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ
آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٧٣﴾

ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُم مِّن بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ
أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ
مِنْهَا لَمَا يَشَّقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ
مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٧٤﴾

أَفَتَطْمَعُونَ أَن يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ
يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِن بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ

یافتگانیم (۷۰) .

گفت هر آئینه خدا میفرماید که وی گاویست نه محنت کشنده که شخم زند زمین را ونه آب می دهدزراعت را سلامت ست هیچ خال نیست دروی ، گفتند حالا آوردی سخن درست (✩) پس ذبح کردند و نزدیك بودکه این کارنکنند (۷۱) .

و آنوقت که کشتید شخصی را پس نزاع کردید دروی ـ وخدا بیرون آرنده است چیزی‌را که پنهان میکردید (۷۲) .

پس فرمودیم بزنیداین شخص را به پاره ای ازگاو این طور زنده میکند خدا مُردگان را ومی نماید شمارا نشانهای خود تابُوَدکه دریابید (۷۳) .

بازسخت شد دلهای شما بعد ازین پس آنها مانند سنگ اند بلکه زیاده تردر سختی ، وهر آئینه از سنگ هاآنست که روان می شود ازوی جویها۔ وهر آئینه از سنگها آنست که می شگافدپس بیرون می‌آیدازوی آب، وهر آئینه ازسنگهاآنست که فرومی افتد از ترس خدا ونیست بیخبر ازآنچه می کنید (۷٤) .

(ای مومنان) آیاامیدی داریدکه (یهود) منقادشوند به دین شما وهر آئینه گروهی ازایشان می شنیدندکلام خدارا (یعنی

(✩) توضیح : وی گاویست که پرورده نگشته تا زمین را شخم کند و نه کشت را آبیاری کند و ازهرعیبی پاك و نباشد دروی رنگ دیگری .

وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٧٥﴾

تورات را) پس بدل میکردندش دانسته بعدازآنکه فهمیده بودند اورا (٧٥) .

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَا بَعْضُهُمْ
إِلَىٰ بَعْضٍ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُم بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ
لِيُحَاجُّوكُم بِهِ عِندَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٧٦﴾

وچون ملاقات کنند بامومنان گویندایمان آوردیم وچون تنهاشوندبعض ازایشان بابعضی[1] گویند آیاخبر مید هیدایشان را بآنچه کشاده است خدا برشما[2] تامناظره کنند باشما بآن دلیل نزد پروردگار شما آیا درنمی یابید (٧٦) .

أَوَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ
وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٧٧﴾

(این جهولان) آیا نمیدانندکه خدا میداند آنچه پنهان می کنند و آنچه آشکارامی نمایند (٧٧) .

وَمِنْهُمْ أُمِّيُّونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا
يَظُنُّونَ ﴿٧٨﴾

وبعضی ازایشان ناخوانندگان (یعنی بیسوادانند) کتاب (توراة) راجز آرزوهای باطل نه پندارند ونیستند مگر گمان کننده (٧٨) .

فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ
هَٰذَا مِنْ عِندِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَّهُم مِّمَّا
كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَّهُم مِّمَّا يَكْسِبُونَ ﴿٧٩﴾

پس وای آنکسان را که می نویسندکتاب را بدست های خود بازمی گویند این ازنزدیك خداست تا بگیرند عوض وی بهای اندك را پس وای ایشان را بسبب نوشتن دست های ایشان و وای ایشان را بسبب پیشه گرفتن ایشان (٧٩) .

وَقَالُوا لَن تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَةً قُلْ أَتَّخَذْتُمْ
عِندَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَن يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى
اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٨٠﴾

وگفتند نرسدبماآتش دوزخ مگر چندروز شمرده شده بگو آیا گرفتید ازپیش خدا پیمانی تاهرگزخلاف نه کند خدا پیمان خودرا یااینکه می گوئید برخدا آنچه

(١) یعنی بارئیسان خویش .
(٢) یعنی نعمت پیغمبرآخرالزمان .

نمی دانید[۱] (۸۰) .

بَلٰى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَّاَحَاطَتْ بِهٖ خَطِيْٓئَتُهٗ فَاُولٰٓئِكَ
اَصْحٰبُ النَّارِ ۚ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ﴿۸۱﴾

آری هرکه کرد کاربد وبه احاطه گرفت اورا گناه او پس ایشان اند باشندگان دوزخ ایشان درآنجا جاویدند (۸۱) .

وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ
الْجَنَّةِ ۚ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ﴿۸۲﴾

وکسانیکه ایمان آوردند و کردند کارهای شائسته ایشانند باشندگان بهشت ایشان درآنجا جاویدند (۸۲) .

وَاِذْ اَخَذْنَا مِيْثَاقَ بَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ لَا تَعْبُدُوْنَ
اِلَّا اللّٰهَ ۟ وَبِالْوَالِدَيْنِ اِحْسَانًا وَّذِي الْقُرْبٰى
وَالْيَتٰمٰى وَالْمَسٰكِيْنِ وَقُوْلُوْا لِلنَّاسِ حُسْنًا
وَّاَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ ۭ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ
اِلَّا قَلِيْلًا مِّنْكُمْ وَاَنْتُمْ مُّعْرِضُوْنَ ﴿۸۳﴾

وآنگاه که گرفتیم پیمانِ بنی اسرائیل که نه پرستید مگرخدارا وبوالدین نکوئی کنید وباهل قرابت و یتیمان وبی نوایان وبگوئید بمردمان سخن نیک وبرپادارید نمازرا وبدهیدزکوة را پس برگشتید روگردان شده مگر اندکی ازشما (۸۳) .

وَاِذْ اَخَذْنَا مِيْثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُوْنَ دِمَآءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُوْنَ
اَنْفُسَكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ اَقْرَرْتُمْ وَاَنْتُمْ تَشْهَدُوْنَ ﴿۸۴﴾

وآنگاه که گرفتیم پیمان شمارا که مریزیدخون یکدیگررا وبیرون مکنید قوم خویش را ازخانه های خویش پس قبول کردید وخود شما گواهی میدهید (۸٤) .

ثُمَّ اَنْتُمْ هٰٓؤُلَآءِ تَقْتُلُوْنَ اَنْفُسَكُمْ وَتُخْرِجُوْنَ فَرِيْقًا مِّنْكُمْ
مِّنْ دِيَارِهِمْ ۡ تَظٰهَرُوْنَ عَلَيْهِمْ بِالْاِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ۭ وَاِنْ
يَّاْتُوْكُمْ اُسٰرٰى تُفٰدُوْهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ اِخْرَاجُهُمْ ۭ
اَفَتُؤْمِنُوْنَ بِبَعْضِ الْكِتٰبِ وَتَكْفُرُوْنَ بِبَعْضٍ ۚ فَمَا جَزَآءُ
مَنْ يَّفْعَلُ ذٰلِكَ مِنْكُمْ اِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۚ وَيَوْمَ

بازشما آن گروهید که می کشید قوم خویش را وبیرون می کنید گروهی را ازقوم خود ازخانه های ایشان یکی مددگار دیگری می شوید برستم کردن درحق ایشان بگناه وتعدی واگراسیرشده بشمامی آیند فدا میدهید عوض ایشان

---

(۱) مترجم گویدیکی ازعقائدباطله یهود آن بود که می گفتند یهودنبا شند در دوزخ مگرروزی چند واین خطااست زیراکه دخولِ جنت موقوف برایمان بخدا وروزقیامت و پیغامبرآخرزمان ست جنس یهود وغیرآن اعتبار ندارد واشارت بهمین معنی است درین آیت والله اعلم .

الْقِيٰمَةِ يُرَدُّوْنَ اِلٰٓى اَشَدِّ الْعَذَابِ ۭ وَمَا اللّٰهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُوْنَ ۝٨٥

وحال آنکه حرام است برشمابیرون کردن ایشان آیاایمان می آرید به بخشی ازکتاب و کافرمی شوید به بخش دیگر پس چیست جزای آنکه چنین کند ازشما مگرخواری در زندگانی دنیا وروز قیامت گردانیده شوند بسوی سخت ترین عذاب ونیست خدا بی‌خبر ازآنچه میکنید[1] . (٨٥)

اُولٰۗىِٕكَ الَّذِيْنَ اشْتَرَوُا الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا بِالْاٰخِرَةِ ۡ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْصَرُوْنَ ۝٨٦

ایشان آنکسانندکه خریدند زندگانی دنیارا عوض آخرت پس سبك کرده نشود ازایشان عذاب ونه ایشان یاری داده شوند (٨٦) .

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا مُوْسَى الْكِتٰبَ وَقَفَّيْنَا مِنْۢ بَعْدِهٖ بِالرُّسُلِ ۡ وَاٰتَيْنَا عِيْسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنٰتِ وَاَيَّدْنٰهُ بِرُوْحِ الْقُدُسِ ۭ اَفَكُلَّمَا جَاۗءَكُمْ رَسُوْلٌۢ بِمَا لَا تَهْوٰٓى اَنْفُسُكُمُ اسْتَكْبَرْتُمْ ۚ فَفَرِيْقًا كَذَّبْتُمْ ۡ وَفَرِيْقًا تَقْتُلُوْنَ ۝٨٧

وهرآئینه دادیم موسی را کتاب وازپی درآوردیم بعد ازوی پیغمبران را ودادیم عیسیٰ پسرمریم رانشانه های روشن وقوت دادیم اورا بروح القدس - یعنی جبرئیل - آیاهرگاه آورد پیغامبری نزدشماآنچه دوست ندارد نفسهای شما سرکشی کردید پس گروهی را دروغگوداشتید وگروهی راکشتید (٨٧) .

وَقَالُوْا قُلُوْبُنَا غُلْفٌ ۭ بَلْ لَّعَنَهُمُ اللّٰهُ بِكُفْرِهِمْ

و گفتند[2] دلهای مادرپرده است، بلکه

---

(١) یعنی منع کرده شدند از کشتن وجلاوطن کردن ودرظلم مدد گاری نمودن وفرموده شدند بفدای اسیران وایشان ازین همه احکام بفدای اسیران عمل کردند وبس زیراکه موافق نفس ایشان افتاد واین طاعت نفس است طاعت خدا نیست .

(٢) مترجم گوید ودیگرازقبائح یهود آن بود که میگفتند قلوبنا غلف یعنی دردین خود آنقدر استحکام داریم که هیچ شبهه بدان راه نمی یابدواین خطااست که سبب قبول نکردن دین اسلام حسد وجهل بود نه تقوی زیراکه آثارِتقویٰ هیچگاه =

فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ ﴿٨٨﴾

نفرین کرده است ایشان را خدا بسبب
کفر ایشان پس اندکی ایمان آرند (۸۸) .

وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِندِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ
وَكَانُوا مِن قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا
جَاءَهُم مَّا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ
اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٨٩﴾

وآنگاه که آمدبایشان کتاب ازنزدیك[۱]
خدا باورکننده آنچه بایشان است و پیش
ازین طلب فتح می کردند برمشرکان پس
هرگاه آمدبایشان آنچه میدانستند
منکرشدند ویرا پس لعنت خدا است
برآن کافران[۲] (۸۹) .

بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنفُسَهُمْ أَن يَكْفُرُوا بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ بَغْيًا
أَن يُنَزِّلَ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ عَلَىٰ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ
فَبَاءُوا بِغَضَبٍ عَلَىٰ غَضَبٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ
مُّهِينٌ ﴿٩٠﴾

بدچیز است آنچه فروختند عوض وی
خویشتن راکه کافرشوند بآنچه فرودآورده
است خدا بسبب حسد برآنکه فرودآورد
خدا برحمت خود برهرکه خواهد ازبندگان
خود پس بازگشتند بخشمی بالای خشمی
وکافران راست عذاب خوارکننده (۹۰) .

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ قَالُوا نُؤْمِنُ
بِمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَهُوَ
الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ
أَنبِيَاءَ اللَّهِ مِن قَبْلُ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿٩١﴾

وچون گفته شود ایشان را ایمان آریدبآنچه
فرود آورده است خدا گویند ایمان می
آریم بآنچه فرود آورده شدبرما وایشان
کافرمی شوند بآنچه غیرأز ویست حال
آنکه او راست است باورکننده آنچه
بایشان است بگو پس چرامی کشتید
پیغمبران خدارا پیش ازین اگر
شمامؤمن بودید (۹۱) .

وَلَقَدْ جَاءَكُم مُّوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ

وهرآئینه آمد به شما موسیٰ به نشانه های

= ازایشان ظاهر نمی شدواشارت بهمین معنی است درین آیات .

(۱) یعنی قرآن .

(۲) تعریض است بآن قصه که یهود خیبر باغطفان جنگ میکردند و هزیمت می یافتند آخردعا کردند که به بعثت نبی آخرالزمان مارانصرت بده .

مِنۢ بَعْدِهٖ وَاَنْتُمْ ظٰلِمُوْنَ ﴿٩٢﴾

روشن پس گرفتید گوساله را پس ازوی وشما ستمگار بودید (٩٢) .

وَاِذْ اَخَذْنَا مِيْثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّوْرَ ؕ
خُذُوْا مَآ اٰتَيْنٰكُمْ بِقُوَّةٍ وَّاسْمَعُوْا ؕ قَالُوْا سَمِعْنَا
وَعَصَيْنَا ۗ وَاُشْرِبُوْا فِىْ قُلُوْبِهِمُ الْعِجْلَ
بِكُفْرِهِمْ ؕ قُلْ بِئْسَمَا يَاْمُرُكُمْ بِهٖٓ
اِيْمَانُكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ﴿٩٣﴾

وآنگاه که گرفتیم پیمان شمارا وبرداشتیم بالای شما طور را گفتیم بقوت بگیرید آنچه رابه شمادادیم و بشنوید ـ گفتند[1] شنیدیم ونافرمانی کردیم وآمیخته کرده شد دردلهای ایشان دوستی گوساله بسبب کافر بودن ایشان بگوبد چیز است آنچه میفرماید شماراایمان شما اگر هستیدازاهل ایمان (٩٣) .

قُلْ اِنْ كَانَتْ لَكُمُ الدَّارُ الْاٰخِرَةُ عِنْدَ اللّٰهِ خَالِصَةً مِّنْ
دُوْنِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ﴿٩٤﴾

بگو[2] اگر هست شمارا سرای بازپسین نزد خدا بتخصیص بجزازمردمان دیگر پس آرزو کنید مرگ را اگر هستیدراست گو (٩٤) .

وَلَنْ يَّتَمَنَّوْهُ اَبَدًۢا بِمَا قَدَّمَتْ اَيْدِيْهِمْ ؕ
وَاللّٰهُ عَلِيْمٌۢ بِالظّٰلِمِيْنَ ﴿٩٥﴾

وهرگزآرزونکنند اورا هیچگاه بسبب آنچه پیش فرستاده است دستهای ایشان وخدا داناست به ستمگاران (٩٥) .

وَلَتَجِدَنَّهُمْ اَحْرَصَ النَّاسِ عَلٰى حَيٰوةٍ ۛۚ وَمِنَ
الَّذِيْنَ اَشْرَكُوْا ۛۚ يَوَدُّ اَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ اَلْفَ سَنَةٍ ۚ
وَمَا هُوَ بِمُزَحْزِحِهٖ مِنَ الْعَذَابِ اَنْ يُّعَمَّرَ ؕ وَاللّٰهُ
بَصِيْرٌۢ بِمَا يَعْمَلُوْنَ ﴿٩٦﴾

وهرآئینه بیابی ایشان را حریص ترین مردم بر زندگانی و حریص تر ازآنانکه مشرک اند دوست میداردیکی ازایشان کاش عمر داده شود هزارسال ونیست رهانندۂ وی ازعذاب آنکه عمر داده شود وخدا بیناست بآنچه می کنند[3] (٩٦) .

---

(١) یعنی بزبان حال .

(٢) دیگرازتحریفات یهود آن بود که میگفتند که داخل نخواهد شددر بهشت هیچکس مگر یهودو این خطاست زیراکه علامت بهشتیان مشتاق شدن بملاقاتِ خداست وایشان ازمرگ هراسان بودند واشارت بهمین معنی است درین آیت .

(٣) دیگرازجمع هفوه کلام بیهوده راگویند هرچه ازدهن برآید .

قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِّجِبْرِيْلَ فَإِنَّهٗ نَزَّلَهٗ عَلٰى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللّٰهِ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَّبُشْرٰى لِلْمُؤْمِنِيْنَ ﴿٩٧﴾

بگو[1] هرکه باشدﺩشمن جبرئیل چه زیان می کند پس به تحقیق جبرئیل فرود آورده است قرآن رابردل تو بحکم خدا باور دارنده آنچه پیش ازوی است ورهنما ومژده دهندهٔ اهل ایمان (۹۷).

مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِّلّٰهِ وَمَلٰٓئِكَتِهٖ وَرُسُلِهٖ وَجِبْرِيْلَ وَمِيْكٰىلَ فَإِنَّ اللّٰهَ عَدُوٌّ لِّلْكٰفِرِيْنَ ﴿٩٨﴾

هرکه باشد دشمن خدارا وفرشتگان ویرا و پیغامبران ویرا و جبرئیل و میکائیل را پس هر آئینه خدا دشمن کافران است (۹۸).

وَلَقَدْ أَنْزَلْنَآ إِلَيْكَ اٰيٰتٍۢ بَيِّنٰتٍ ۚ وَمَا يَكْفُرُ بِهَآ إِلَّا الْفٰسِقُوْنَ ﴿٩٩﴾

وهرآئینه فرودآوردیم بسوی تو نشانه های روشن وکافر نمی شوند بآنهامگر بدکاران (۹۹).

أَوَكُلَّمَا عٰهَدُوْا عَهْدًا نَّبَذَهٗ فَرِيْقٌ مِّنْهُمْ ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُوْنَ ﴿١٠٠﴾

آیاهرگاه که بستند پیمانی را برانداخت آن را گروهی ازایشان بلکه اکثرایشان باورنمی دارند (۱۰۰).

وَلَمَّا جَآءَهُمْ رَسُوْلٌ مِّنْ عِنْدِ اللّٰهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيْقٌ مِّنَ الَّذِيْنَ أُوْتُوا الْكِتٰبَ ۙ كِتٰبَ اللّٰهِ وَرَآءَ ظُهُوْرِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿١٠١﴾

وهرگاه که آمد بایشان پیغامبری ازنزدخدا باوردارنده آنچه بایشان است افگند گروهی ازآن قوم که داده شده اندکتاب آن کتاب خدارا پس پشت خویش، گویا نمی دانند (۱۰۱).

وَاتَّبَعُوْا مَا تَتْلُوا الشَّيٰطِيْنُ عَلٰى مُلْكِ سُلَيْمٰنَ ۚ

وپیروی[2] کردند آنچه می خواندند

---

(۱) دیگر ازهفوات یهود آن بود که جبرئیل را دشمن میداشتند که عذاب برامم سابقه فرود آورده این خطااست که جبرئیل مامور است ازبارگاه حق عزوجل ویراچه اختیار.

(۲) دیگراز هفوات یهود آن بود که سحر میکر دند وسلیمان علیه السلام راساحر می دانستند این افترابود بر سلیمان علیه السلام و اشارت بهمین معنی است درین آیت.

وَمَا كَفَرَ سُلَيْمٰنُ وَلٰكِنَّ الشَّيٰطِيْنَ كَفَرُوْا يُعَلِّمُوْنَ
النَّاسَ السِّحْرَ وَمَآ اُنْزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ
هَارُوْتَ وَمَارُوْتَ وَمَا يُعَلِّمٰنِ مِنْ اَحَدٍ حَتّٰى يَقُوْلَآ اِنَّمَا
نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُوْنَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُوْنَ
بِهٖ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهٖ وَمَا هُمْ بِضَآرِّيْنَ بِهٖ مِنْ
اَحَدٍ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ وَيَتَعَلَّمُوْنَ مَا يَضُرُّهُمْ
وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوْا لَمَنِ اشْتَرٰىهُ مَا لَهٗ
فِي الْاٰخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهٖٓ
اَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوْا يَعْلَمُوْنَ ﴿١٠٢﴾

شیطانان درسلطنت سلیمان ـ وکافرنشد سلیمان ولیکن شیطانان کافر شدند می‌آموختند مردمان را جادو وپیروی کردند بآنچه فرود آورده شد بردوفرشته دربابل هاروت وماروت ونمی آموزند هیچ کس را تاآنکه گویند جزاین نیست که مابلائیم پس کافرمشو پس یادمی گیرندازایشان افسونی که جدائی می افگنند بسبب وی درمیان مرد و زن او ونیستند ایشان زیان رساننده بسحر هیچکس را مگر بارادهٔ خدا وایشان می آموختند آنچه زیان میرساند ایشانرا وسود ندهد ایشان را وهر آئینه دانسته اند هرکه بستاند جادو که نیست اورا درآخرت هیچ بهره وهر آئینه بد چیزست آنچه فروختند عوض وی خویشتن را کاش می دانستند (۱۰۲) .

وَلَوْ اَنَّهُمْ اٰمَنُوْا وَاتَّقَوْا لَمَثُوْبَةٌ مِّنْ عِنْدِ اللّٰهِ خَيْرٌ
لَوْ كَانُوْا يَعْلَمُوْنَ ﴿١٠٣﴾

وا گرایشان ایمان می آوردند و تقوی اختیار می کردند هر آئینه ثواب ازنزدیك خدا بهتر بودی کاش می دانستند (۱۰۳) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَقُوْلُوْا رَاعِنَا وَقُوْلُوا انْظُرْنَا
وَاسْمَعُوْا وَلِلْكٰفِرِيْنَ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿١٠٤﴾

ای مومنان مگوئید راعنا و بگوئید انظرنا ونیك بشنوید و کافران راست عذاب درد دهنده[1] (۱۰٤) .

---

(۱) دیگر ازهفوات یهود آن بود که در مجلس پیغامبر آمده لفظ راعنامی گفتند واین لفظ را دو معنی است یکی آنکه رعایتکن مارا وشفقت کن برما دیگر رعونت دارنده یعنی ابله ـ وقصد ایشان سبّ بود حق سبحانه مسلمانان را ازین کلمه نهی کرد برای سدّباب فساد واشارت بهمین معنی است درین آیت .

مَا يَوَدُّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْ اَهْلِ الْكِتٰبِ وَلَا الْمُشْرِكِيْنَ
اَنْ يُّنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِّنْ خَيْرٍ مِّنْ رَّبِّكُمْ ۗ وَاللّٰهُ يَخْتَصُّ
بِرَحْمَتِهٖ مَنْ يَّشَآءُ ۗ وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيْمِ ﴿١٠٥﴾

دوست نمیدارند آنانکه کافرشدند از اهل کتاب ونه مشرکان که فرود آورده شود برشما هیچ نیکی از پروردگارشما وخدا مخصوص می کند به بخشائش خود هرکراخواهد وخدا خداوندفضل بزرگ است (١٠٥) .

مَا نَنْسَخْ مِنْ اٰيَةٍ اَوْ نُنْسِهَا نَاْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَآ اَوْ مِثْلِهَا ۗ اَلَمْ
تَعْلَمْ اَنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿١٠٦﴾

هرچه نسخ می کنیم ازآیتی یا فراموش می گردانیم آنرامی آریم بهتر ازوی یا مانندوی آیاندانسته ای که خدا برهمه چیز تواناست[1] (١٠٦) .

اَلَمْ تَعْلَمْ اَنَّ اللّٰهَ لَهٗ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۗ
وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ مِنْ وَّلِيٍّ وَّلَا نَصِيْرٍ ﴿١٠٧﴾

آیاندانسته ای که خداراست پادشاهی آسمانها وزمین ونیست شمارا بجزوی هیچ دوست ونه یاری دهنده (١٠٧) .

اَمْ تُرِيْدُوْنَ اَنْ تَسْـَٔلُوْا رَسُوْلَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوْسٰى
مِنْ قَبْلُ ۗ وَمَنْ يَّتَبَدَّلِ الْكُفْرَ بِالْاِيْمَانِ فَقَدْ ضَلَّ
سَوَآءَ السَّبِيْلِ ﴿١٠٨﴾

آیامی خواهید که سوال کنید پیغامبر خودرا چنانکه سوال کرده شد موسی پیش ازین وهرکه بستاند کفررا عوض ایمان پس هر آئینه‌گم کرد راه میانه را (١٠٨) .

وَدَّ كَثِيْرٌ مِّنْ اَهْلِ الْكِتٰبِ لَوْ يَرُدُّوْنَكُمْ مِّنْ بَعْدِ
اِيْمَانِكُمْ كُفَّارًا ۚ حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ اَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ
مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ ۚ فَاعْفُوْا وَاصْفَحُوْا حَتّٰى يَاْتِيَ
اللّٰهُ بِاَمْرِهٖ ۗ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿١٠٩﴾

دوست داشتند بسیاری ازاهل کتاب که کافر گردانند شمارا بعد ازایمان شما بسبب حسد ازنزدیك نفوس خود پس ازآنکه واضح شد برایشان حق پس عفوکنید ودرگذرانید تاآنکه آردخدا فرمان خودرا[2] هر آئینه خدا برهمه چیز تواناست (١٠٩) .

---

(١) مترجم گوید درین آیت تعریض است بجواب یهود که انکار نسخ می کردند والله اعلم .

(٢) یعنی امرکند بجهاد ایشان والله اعلم .

وَاَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ ۭ وَمَا تُقَدِّمُوْا لِاَنْفُسِكُمْ مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوْهُ عِنْدَ اللّٰهِ ۭ اِنَّ اللّٰهَ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ ﴿۱۱۰﴾

وبرپاداریدنمازرا و بدهید زکوٰة را وآنچه پیش می فرستید برای خویشتن ازنیکوکاری خواهیدیافت آنرا نزد خدا هر آئینه خدا بآنچه می کنید بینااست (۱۱۰).

وَقَالُوْا لَنْ يَّدْخُلَ الْجَنَّةَ اِلَّا مَنْ كَانَ هُوْدًا اَوْ نَصٰرٰى ۭ تِلْكَ اَمَانِيُّهُمْ ۭ قُلْ هَاتُوْا بُرْهَانَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ﴿۱۱۱﴾

وگفتند هرگز به بهشت درنیاید مگرآنکه یهودباشد یاترساباشد این آرزوهای باطله ایشانست بگوبآرید دلیل خودرا اگر هستید راستگو (۱۱۱) .

بَلٰى ۚ مَنْ اَسْلَمَ وَجْهَهٗ لِلّٰهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهٗٓ اَجْرُهٗ عِنْدَ رَبِّهٖ ۠ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ ﴿۱۱۲﴾

بلی هرکه منقادکرد روی خودرا برای خدا ووی نیکوکار باشد پس اور است مزد او نزد پروردگار خویش، ونیست ترس برایشان ونه ایشان اندوهگین شوند (۱۱۲) .

وَقَالَتِ الْيَهُوْدُ لَيْسَتِ النَّصٰرٰى عَلٰى شَيْءٍ ۠ وَّقَالَتِ النَّصٰرٰى لَيْسَتِ الْيَهُوْدُ عَلٰى شَيْءٍ ۙ وَّهُمْ يَتْلُوْنَ الْكِتٰبَ ۭ كَذٰلِكَ قَالَ الَّذِيْنَ لَا يَعْلَمُوْنَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ ۚ فَاللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِيْمَا كَانُوْا فِيْهِ يَخْتَلِفُوْنَ ﴿۱۱۳﴾

وگفتند[۱] یهود نیستند ترسایان برهیچ چیزی، و گفتند ترسایان نیستند یهود برهیچ چیزی وایشان همه می خوانند کتاب را هم چنین‌گفتند آنانکه نمی دانند،[۲] مانند قول ایشان، پس خدا حکم کندمیان ایشان روزقیامت درآنچه اختلاف می کنندرآن (۱۱۳) .

وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنْ مَّنَعَ مَسٰجِدَ اللّٰهِ اَنْ يُّذْكَرَ فِيْهَا اسْمُهٗ وَسَعٰى فِيْ خَرَابِهَا ۭ اُولٰٓئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ اَنْ يَّدْخُلُوْهَآ اِلَّا خَآئِفِيْنَ ڛ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَّلَهُمْ فِي الْاٰخِرَةِ

وکیست ستمگارتر ازآنکه منع کرد مسجد های خدارا ازآن که یاد کرده شود نام خدا درآنها و کوشش کرد در ویرانی آنها، این گروه نمی سزد ایشان را که درآیند

---

(۱) دیگر از هفوات اهل کتاب آنبود که هر فرقه از یهود و نصاریٰ دیگر را انکارمی کردو اشارت به همین معنی است درین آیت .

(۲) یعنی مشرکان گفتند .

عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١١٤﴾

بمسجدها مگر هراسان ایشان راست دردنیا خواری وایشان راست در آخرت عذاب بزرگ[۱] (۱۱٤) .

وَلِلّٰهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ ۚ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللّٰهِ ۚ إِنَّ اللّٰهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿١١٥﴾

وخداراست مشرق و مغرب هرسوکه روآرید همانجاست روی خدا هر آئینه خدا فراخ نعمت داناست[۲] (۱۱٥) .

وَقَالُوا اتَّخَذَ اللّٰهُ وَلَدًا ۙ سُبْحَانَهُ ۖ بَلْ لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ ۖ كُلٌّ لَهُ قَانِتُونَ ﴿١١٦﴾

و گفتند بگرفت خدا فرزند را، پاکی او راست بلکه او راست آنچه درآسمانها وزمین است، همه فرمانبردار اوهستند[۳] (۱۱٦) .

بَدِيعُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَإِذَا قَضٰى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿١١٧﴾

آفرينندۀ آسمان ها وزمین است، وچون می کندکاری پس جزاین نیست که می گویداورابشو پس می شود (۱۱۷) .

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللّٰهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ ۗ كَذٰلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ ۘ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ ۗ قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿١١٨﴾

و گفتند آنانکه هیچ نمیدانند (یعنی مشرکان) چراباماسخن نمی گوید خدا یانمی آیدبما نشانه ای هم چنین گفتند کسانیکه پیش ازایشان بودند مانند قول ایشان بیکدیگر مشابهت دارند دلهای ایشان، هر آئینه بیان کردیم نشانه هارا برای گروهی که یقین می کنند (۱۱۸) .

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا ۙ وَلَا تُسْأَلُ عَنْ

هر آئینه مافرستادیم ترا براستی مژده

---

(۱) درین آیت تعریض است بکفارمکه و بشارت است به مغلوب شدن ایشان والله اعلم .

(۲) دیگر ازهفوات یهود آن بود که چون استقبال بیت المقدس منسوخ شد استهزاء میکردند اشارت بهمین معنی است درین آیت .

(۳) دیگر ازهفوات اهل کتاب آن بود که یهود عزیز راو نصاریٰ عیسیٰ را پسرخدامی گفتند دررد ایشان خدای تعالی این آیت نازل کرد .

اَصْحٰبِ الْجَحِيْمِ ﴿١١٩﴾

دهنده وبیم کننده، وپُرسیده نخواهد شد ترا از اهل دوزخ (۱۱۹) .

وَلَنْ تَرْضٰى عَنْكَ الْيَهُوْدُ وَلَا النَّصٰرٰى حَتّٰى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ ؕ
قُلْ اِنَّ هُدَى اللّٰهِ هُوَ الْهُدٰى ؕ وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ اَهْوَآءَهُمْ بَعْدَ
الَّذِيْ جَآءَكَ مِنَ الْعِلْمِ ۙ مَا لَكَ مِنَ اللّٰهِ مِنْ وَّلِيٍّ وَّلَا نَصِيْرٍ ﴿١٢٠﴾

وهرگز خوشنود نشوند ازتویهودان ونه ترسایان تاآنکه پیروی کنی کیش ایشان را بگو هر آئینه هدایت خدا همانست هدایت واگر پیروی کردی آرزوهای باطلهٔ ایشان را پس ازآنچه آمده است بتو ازدانش نباشدترا برای خلاص ازعذاب خدا هیچ دوستی ونه یاری دهنده ای (۱۲۰) .

اَلَّذِيْنَ اٰتَيْنٰهُمُ الْكِتٰبَ يَتْلُوْنَهٗ حَقَّ تِلَاوَتِهٖ ؕ اُولٰٓئِكَ يُؤْمِنُوْنَ
بِهٖ ؕ وَمَنْ يَّكْفُرْ بِهٖ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْخٰسِرُوْنَ ﴿١٢١﴾

آنانکه دادیم ایشان را کتاب (یعنی تورات) میخوانند آنراحق خواندن آن ایشان باور میدارند ویرا (هدایت خدارا) وهرکه منکروی باشد پس ایشانند زیان کاران[1] (۱۲۱) .

يٰبَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ اذْكُرُوْا نِعْمَتِيَ الَّتِيْٓ اَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَاَنِّيْ
فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعٰلَمِيْنَ ﴿١٢٢﴾

ای بنی اسرائیل یادکنید آن نعمت مرا که انعام کرده ام برشما وآنکه فضل دادم شمارا بر همه عالمها (۱۲۲) .

وَاتَّقُوْا يَوْمًا لَّا تَجْزِيْ نَفْسٌ عَنْ نَّفْسٍ شَيْئًا وَّلَا يُقْبَلُ مِنْهَا
عَدْلٌ وَّلَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَّلَا هُمْ يُنْصَرُوْنَ ﴿١٢٣﴾

وحذرکنید ازآن روز که کفایت نه کند کسی ازکسی چیزیرا وپذیرفته نشود ازکسی بدل وسود ندهداورا شفاعت ونه ایشان یاری داده شوند[2] (۱۲۳) .

---

(۱) یعنی آنانکه تورات رامی فهمند تصدیق شریعت محمدیه میکنند وآنانکه تصدیق نمی کنند تورات را نمی فهمند .

(۲) مترجم گوید ازین جا تاسیقول السفهاء خدای تعالی اثبات می فرماید نبوت پیغمبر مارا صلی الله علیه وسلم ازقصه دعاء حضرت ابراهیم که در تورات مذکوراست و ترجیح میدهد ملت حنیفیه را که حضرت پیغمبر برای آن مبعوث اندورد میکند قول یهود را که حضرت یعقوب مارابه یهودیت وصیت کرده است واز تفریق =

وَاِذِ ابْتَلٰٓى اِبْرٰهٖمَ رَبُّهٗ بِكَلِمٰتٍ فَاَتَمَّهُنَّ قَالَ اِنِّىْ جَاعِلُكَ
لِلنَّاسِ اِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِىْ قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِى
الظّٰلِمِيْنَ ﴿١٢٤﴾

ویادکن چون بیآزمودابراهیم را پروردگار او بسخنی چند، پس ابراهیم بانجام رسانید آنهارا، گفت خدا هر آئینه من می گردانم ترا پیشوای مردمان گفت ابراهیم واز اولاد من نیز (پیشوایان پیداکن ـ) فرمود نه رسد عهد (وحی) من بظالمان (١٢٤) .

وَاِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَاَمْنًا وَاتَّخِذُوْا مِنْ مَّقَامِ اِبْرٰهٖمَ
مُصَلًّى وَعَهِدْنَآ اِلٰٓى اِبْرٰهٖمَ وَاِسْمٰعِيْلَ اَنْ طَهِّرَا بَيْتِىَ لِلطَّآئِفِيْنَ
وَالْعٰكِفِيْنَ وَالرُّكَّعِ السُّجُوْدِ ﴿١٢٥﴾

وآنگاه که قرار دادیم کعبه را مرجع مردمان ومحل امن وبگیرید ازجای قدم (ایستگاه) ابراهیم نمازگاه و وحی فرستادیم بسوی ابراهیم و اسمعیل که پاك سازید خانه مرا برای طواف کنندگان واعتکاف کنندگان ورکوع سجده کنندگان (١٢٥) .

وَاِذْ قَالَ اِبْرٰهٖمُ رَبِّ اجْعَلْ هٰذَا بَلَدًا اٰمِنًا وَّارْزُقْ اَهْلَهٗ مِنَ
الثَّمَرٰتِ مَنْ اٰمَنَ مِنْهُمْ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ
فَاُمَتِّعُهٗ قَلِيْلًا ثُمَّ اَضْطَرُّهٗٓ اِلٰى عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيْرُ ﴿١٢٦﴾

وآنگاه که گفت ابراهیم ای پروردگار من بسازاین مکان را شهر باامن و روزی ده ساکنان وی راازمیوه ها و روزی ده آنرا که ایمان آورد ازایشان بخدا وروز بازپسین فرمود خدا و کسیکه کافر شود بهره مندگردانمش اندکی پس به بیچارگی برانم اورا بسوی عذاب آتش ووی بدجای بازگشت است (١٢٦) .

وَاِذْ يَرْفَعُ اِبْرٰهٖمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَاِسْمٰعِيْلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا
اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ﴿١٢٧﴾

آنگاه که بلندمی کردند ابراهیم واسمعیل بنیادهای خانه راگفتند ای پروردگار ماقبول کن ازما هر آئینه توئی شنوا دانا (١٢٧) .

رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَآ اُمَّةً مُّسْلِمَةً

ای پروردگارما وبگردان مارا فرمان

= درانبیاء نهی میفرمایدیعنی معتقد بعضی باشد ومنکر بعضی .

لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ
الرَّحِيمُ ﴿١٢٨﴾

بردارخودت و از اولاد ما بكن گروهى منقاد خودت وبنمامارا طريق عبادتهاى ما وبمهربانى بازآ برما بدرستيكه توئى توبه پذير مهربان (١٢٨) .

رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ
وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١٢٩﴾

اى پروردگار مابفرست درميان ايشان پيغامبرى ازايشان بخواند برايشان آيتهاى ترا وبياموزد ايشان را كتاب و علم و پاك كندايشان را هر آئينه توئى تواناداناد (١٢٩) .

وَمَن يَرْغَبُ عَن مِّلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَن سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدِ
اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ
الصَّالِحِينَ ﴿١٣٠﴾

وكيست كه روبگرداند از كيش ابراهيم مگرآنكه در احمقى افگند نفس خودرا وهر آئينه برگزيديم اورا درين سراى و هر آئينه او درسراى ديگر ازشائستگان است (١٣٠) .

إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٣١﴾

آنگاه كه گفت اورا پروردگار اوكه منقادشو گفت منقادشدم مر پروردگار عالمهارا (١٣١) .

وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ
لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ ﴿١٣٢﴾

ووصيت كرد باين كلمه ابراهيم پسران خودرا و يعقوب نيز فرزندانش را اى فرزندان من هر آئينه خدا برگزيده است براى شما اين دين را پس (ازين جهان) نميريد مگر مسلمان شده (١٣٢) .

أَمْ كُنتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ
لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِن بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَٰهَكَ وَإِلَٰهَ
آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَٰهًا وَاحِدًا
وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿١٣٣﴾

آياحاضر بوديد آنگاه كه پيش آمد يعقوب را موت آنگاه كه گفت فرزندان خودرا چه چيزرا عبادت خواهيد كرد بعدازمن گفتند عبادت كنيم معبودترا و معبود پدران ترا كه ابراهيم و اسمعيل و اسحق اند عبادت كنيم آن معبود يگانه را وما او را منقاديم (١٣٣) .

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ ۖ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُم مَّا كَسَبْتُمْ ۖ
وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٣٤﴾

این گروهی است که درگذشت وی راست آنچه کسب کردند وشمارا است آنچه کسب کردید وشماپرسیده نخواهید شد ازآنچه آن گروه می کردند (١٣٤) .

وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ تَهْتَدُوا ۗ قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ
حَنِيفًا ۖ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٣٥﴾

وگفتند شوید یهودیاترسا تاراه بیابید، بگو بلکه پیروی می کنیم بملت ابراهیم که حنیف بود ونبود ازاهل شرك (١٣٥) .

قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ
وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ
وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ
مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿١٣٦﴾

بگوئید ایمان آوردیم بخدا و بآنچه فرود آورده شده بسوی ماو آنچه فرود آورده شده بسوی ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و ذریت یعقوب وبآنچه داده شد موسیٰ و عیسیٰ را وآنچه داده شدند پیغامبران از پروردگار خویش تفریق نمی کنیم درمیان هیچ کس ازایشان وما برای حق عزوجل منقادیم (١٣٦) .

فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنتُم بِهِ فَقَدِ اهْتَدَوا ۖ وَّإِن تَوَلَّوْا
فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ ۖ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ ۚ وَهُوَ السَّمِيعُ
الْعَلِيمُ ﴿١٣٧﴾

پس اگر باور دارند اهل کتاب بآنچه باور داشتید شما پس راه یافتند واگر برگشتند پس جزاین نیست که ایشان در مخالفت اند پس زود با شد که کفایت کند ترا خدا بانتقام از ایشان واوست شنوا دانا (١٣٧) .

صِبْغَةَ اللَّهِ ۖ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً ۖ وَنَحْنُ لَهُ
عَابِدُونَ ﴿١٣٨﴾

قبول کردیم رنگ خدارا[1] وکیست بهتر ازخدا باعتبار رنگ وما اورا پرستندگانیم (١٣٨) .

قُلْ أَتُحَاجُّونَنَا فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَلَنَا أَعْمَالُنَا

بگو آیا مکابره می کنید با ما درباب خدا واو پروردگار ماوشماست وماراست

(١) یعنی دین اورا .

وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ ﴿۱۳۹﴾

کردارهای ما و شما راست کردارهای شما وماوارا باخلاص پرستندگانیم (۱۳۹) .

أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ ۗ قُلْ أَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمِ اللَّهُ ۗ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ ۗ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿۱۴۰﴾

آیامی گوئید که هر آئینه ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و نبیرگان او یهود بودند یا ترسابودند بگو شمادانا ترید یا خدا وکیست ستمگار تراز آنکه بپوشد آن‌گواهی را که نزدیك اوست ازجانب خدا ونیست خدا بی خبر ازآنچه می کنید (۱٤۰) .

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ ۖ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ ۖ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۴۱﴾

این گروهی است که درگذشت ویراست آنچه کسب کردند وشماراست آنچه شماکسب کردید وپرسیده نخواهیدشد ازآنچه ایشان می کردند (۱٤۱) .

سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ عَنْ قِبْلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا ۚ قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ ۚ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿۱۴۲﴾

[۱] خواهند گفت بیخردان ازمردم چه چیز برگردانید ایشان را ازآن قبله که ایشان بودند برآن (یعنی از بیت المقدس) بگوخداراست مشرق و مغرب راه می نماید هر کراخواهد بسوی راه راست (۱٤۲) .

(۱) چون آنحضرت صلی الله علیه وسلم بمدینه هجرت فرمود شانزده ماه یاهفتده ماه بطرف بیت المقدس نمازمی گذارد آرزو میکردکه خدای تعالی کعبه را قبله وی سازد خدای تعالی نازل کرد قدنری تقلب الآیة بعد ازآن جواب شبهه سفهادرین مسئله نازل کرد سیقول السفهاء وبعد ازآن امر فرمود به صبر بر مشاق جهاد ودر بسیاری ازاحکام توحید وقصاص و حج و صوم وصدقه ونکاح و طلاق که اهل جاهلیت تحریف کرده بودند یا رعایت انصاف نمی کردند بیان حقیقت حال فرمود و ردّ وابطال شبهات مخالفین کردوسوال های ایشانراجواب داد واین سیاق ممتد است تا الم ترالی الذین خرجوا .

وَكَذٰلِكَ جَعَلْنٰكُمْ اُمَّةً وَّسَطًا لِّتَكُوْنُوْا شُهَدَآءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُوْنَ
الرَّسُوْلُ عَلَيْكُمْ شَهِيْدًا ۗ وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِىْ كُنْتَ عَلَيْهَآ
اِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَّتَّبِعُ الرَّسُوْلَ مِمَّنْ يَّنْقَلِبُ عَلٰى عَقِبَيْهِ ۗ
وَاِنْ كَانَتْ لَكَبِيْرَةً اِلَّا عَلَى الَّذِيْنَ هَدَى اللّٰهُ ۗ وَمَا كَانَ اللّٰهُ
لِيُضِيْعَ اِيْمَانَكُمْ ۗ اِنَّ اللّٰهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوْفٌ رَّحِيْمٌ ﴿١٤٣﴾

وهم چنين ساختيم شمارا گروهی مختار تا گواه باشيد برمردمان وتاباشد رسول گواه برشما ومقرر نكرديم آن قبله راكه بودی برآن (يعنی بيت المقدس را) مگر برای آنكه بدانيم كسی را كه پيروی پيغمبر كند جداازآن كس كه بازگردد بر هردوپاشنه خودوهر آئينه هست اين خصلت دشوار مگر برآنانكه ايشانرا راه نموده است خدا وخدا ضائع نمی سازد گرويدنِ شمارا هر آئينه خدا بمردمان بخشاينده مهربان است (١٤٣) .

قَدْ نَرٰى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِى السَّمَآءِ ۚ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضٰهَا ۖ فَوَلِّ
وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ۗ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوْا وُجُوْهَكُمْ
شَطْرَهٗ ۗ وَاِنَّ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ لَيَعْلَمُوْنَ اَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَّبِّهِمْ ۗ
وَمَا اللّٰهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُوْنَ ﴿١٤٤﴾

به تحقيق مامی بينيم گشتن روی تو درجانب آسمان[1] پس البته متوجه گردانيم ترابآن قبله كه خوشنود شوی بوی پس متوجه گردان روی خودرا بطرف مسجد حرام وهرجاكه باشيد پس متوجه گردانيد روهای خويش رابطرف وی و هر آئينه اهل كتاب ميدانند كه اين راست است ازپروردگار ايشان ونيست خدا بی خبر ازآنچه می كنند (١٤٤) .

وَلَئِنْ اَتَيْتَ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ بِكُلِّ اٰيَةٍ مَّا تَبِعُوْا قِبْلَتَكَ ۚ
وَمَآ اَنْتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ ۚ وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ ۗ
وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ اَهْوَآءَهُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا جَآءَكَ مِنَ

وهر آئينه اگر بياری پيش اهل كتاب هرنشانه هرگز پيروی نكنند قبله تراونيستی تو پيروی كننده قبلهٔ ايشان را

(١) يعنی آنچه در سابق علم الهی مقرر شد آنست كه قبله امت محمد مصطفی صلی الله عليه وسلم كعبه باشد وتوجه به بيت المقدس يك چند مدت بنابر حكمت امتحان است .

الْعِلْمِ ۙ إِنَّكَ إِذًا لَّمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿١٤٥﴾

ونیستند بعضی ایشان پیروی کننده قبله بعض دیگررا واگر توپیروی کنی خواهش های نفسانی ایشان را بعد آنچه آمده است بتوازدانش هر آئینه توباشی آنگاه ازستمگاران (١٤٥) .

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ ۖ وَإِنَّ
فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿١٤٦﴾

کسانیکه داده ایم ایشان را کتاب می شناسند * ویراچنانکه می شناسند فرزندان خویش را وهر آئینه گروهی ازایشان می پوشند حق را دانسته[٢] (١٤٦) .

الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ ۖ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿١٤٧﴾

این درست است ازپروردگار تو پس مباش ازشك آرندگان (١٤٧) .

وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَا ۖ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ ۚ أَيْنَ مَا تَكُونُوا
يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٤٨﴾

وهر کسی راجانبی هست که وی متوجه آنست پس شتاب کنید بسوی نیکی هاهرجا که باشید بیاردشمارا خدا جمع ساخته هر آئینه خدا برهمه چیز تواناست (١٤٨) .

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ۖ وَإِنَّهُ
لَلْحَقُّ مِن رَّبِّكَ ۗ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٤٩﴾

وهرجا که روی پس متوجه کن روی خودرا جانب مسجد حرام وهر آئینه وی راست است ازپروردگار تو ونیست خدا بی خبر ازآنچه می کنید (١٤٩) .

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ۚ وَحَيْثُ
مَا كُنتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ
إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلِأُتِمَّ
نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٥٠﴾

وهر جاکه روی پس متوجه کن روی خودرا جانب مسجد حرام وهر جاکه باشید پس متوجه کنید رو های خویش را جانب وی تانباشد مردمان را الزام برشما مگر آنانکه ستم کردندازین جماعت پس

(☆) بعض علماء از ضمیر "یَعرفُونَهُ" پیغمبر مرادگرفته اند والله اعلم (مصحح).

(١) یعنی حقیقت استقبال کعبه را .

مترسید از ایشان وبترسید ازمن وتاتمام
کنم نعمت خودرا برشما وتابود که راه
یابید[1] (١٥٠) .

كَمَآ أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ ءَايَٰتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ
وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَٰبَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ﴿١٥١﴾

چنانکه فرستادیم پیغامبری درمیان
شماازقوم شما میخواند برشما آیت های
مارا پاك می سازد شمارا ومی
آموزدشمارا کتاب وحکمت ومی آموزد
شمارا آنچه نمی دانستید (١٥١) .

فَاذْكُرُونِىٓ أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِى وَلَا تَكْفُرُونِ ﴿١٥٢﴾

پس یادکنید مراتا یادکنم شمارا و سپاس
گوئید مراو ناسپاسی من مکنید (١٥٢) .

يَٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَوٰةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ
الصَّٰبِرِينَ ﴿١٥٣﴾

ای مسلمانان مددجوئید درتحصیل ثواب
آخرت به صبر و نماز وهر آئینه خدا
باصابران است (١٥٣) .

وَلَا تَقُولُوا لِمَن يُقْتَلُ فِى سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَٰتٌۢ بَلْ أَحْيَآءٌ وَلَٰكِن
لَّا تَشْعُرُونَ ﴿١٥٤﴾

ومگوئید کسی را که کشته شود درراه
خدا که ایشان مرد گانند بلکه ایشان زنده
اند ولیکن شما درك نمی کنید (١٥٤) .

وَلَنَبْلُوَنَّكُم بِشَىْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَٰلِ
وَالْأَنفُسِ وَالثَّمَرَٰتِ وَبَشِّرِ الصَّٰبِرِينَ ﴿١٥٥﴾

وهرآئینه بیازمائیم شمارا به چیزی ازترس
و گرسنگی ونقصانِ مال ها وجان ها
ومیوه ها و بشارت ده صابران را (١٥٥).

الَّذِينَ إِذَآ أَصَٰبَتْهُم مُّصِيبَةٌ قَالُوٓا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّآ إِلَيْهِ
رَٰجِعُونَ ﴿١٥٦﴾

آنانکه چون برسد بدیشان سختی گویند
هر آئینه ما ازآن خدائیم وهر آئینه
مابسوی وی بازخواهیم گردید (١٥٦) .

أُولَٰٓئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَٰتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَٰٓئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ ﴿١٥٧﴾

این گروه برایشان است درودها از

(١) مترجم گوید در تورات مذکور است که امتی از بنی اسرائیل پیدا خواهد شد که
تعظیم کعبه کند پس توجه آنحضرت صلی الله علیه وسلم به کعبه حجت باهره
است برصدق نبوت آنحضرت صلی الله علیه وسلم نزدیك احبار یهود اگرچه
سفهاء یهود طعن کنند که قبله انبیاء را گذاشت والله اعلم فتح الرحمن .

پروردگار ایشان وبخشائش وایشانند راه یافتگان (١٥٧) .

إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَآئِرِ اللّٰهِ ۚ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوِ اعْتَمَرَ
فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا ۚ وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا ۙ فَإِنَّ
اللّٰهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ ﴿١٥٨﴾

هر آئینه صفا و مروه ازنشانه های خدا است پس هرکه حج خانه کند یا عمره بجاآرد پس بزه نیست بروی درآنکه طواف کند درمیان این هر دو(۱) وهرکه نیکی بجا آرد پس خدا قبول کننده دانا است (١٥٨) .

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنٰتِ وَالْهُدٰى مِنْ بَعْدِ
مَا بَيَّنّٰهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتٰبِ ۙ أُولٰٓئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللّٰهُ
وَ يَلْعَنُهُمُ اللّٰعِنُونَ ﴿١٥٩﴾

هر آئینه آنانکه می پوشند آنچه فرود آورده ایم ازسخنان روشن و هدایت بعد ازآنکه بیان کردیم آنرا برای مردمان درکتاب آن گروه لعنت می کند ایشان را خدا ولعنت میکنند ایشانرا لعنت کنند گان (١٥٩) .

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُوا فَأُولٰٓئِكَ أَتُوبُ
عَلَيْهِمْ ۚ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿١٦٠﴾

مگر کسانیکه توبه کردند و نیکوکاری پیش گرفتند وبیان کردند پس این گروه(بمهربانی) توبه می پذیرم از ایشان و منم توبه پذیر مهربان (١٦٠) .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ أُولٰٓئِكَ عَلَيْهِمْ
لَعْنَةُ اللّٰهِ وَالْمَلٰٓئِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿١٦١﴾

هر آئینه آنانکه کافرشدند ومردند درحال کافر بودن آن گروه برایشان است لعنت خدا و فرشتگان و مردمان همه یك جا (١٦١) .

خٰلِدِينَ فِيهَا ۚ لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ ﴿١٦٢﴾

همیشه باشند درآن لعنت سبك کرده نشود از ایشان عذاب ونه ایشان مهلت داده شوند (١٦٢) .

---

(۱) بعض اهل اسلام صفاومروه را ازشعائر طوا فیتگمان کرده ازآن دست بازداشتند ـ زیراکه درجاهلیت بالای صفا ومروه دوبت عبادت می‌شد ـ پس این آیه نازل شد .

وَاِلٰهُكُمْ اِلٰهٌ وَّاحِدٌ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيْمُ ﴿١٦٣﴾

و معبود شما خدا يگانه است نيست هيچ معبود برحقى بجزوى بخشاينده مهربان است (١٦٣) .

اِنَّ فِيْ خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاخْتِلَافِ الَّيْلِ وَالنَّهَارِ
وَالْفُلْكِ الَّتِيْ تَجْرِيْ فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ
مِنَ السَّمَآءِ مِنْ مَّآءٍ فَاَحْيَا بِهِ الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا
وَبَثَّ فِيْهَا مِنْ كُلِّ دَآبَّةٍ وَّتَصْرِيْفِ الرِّيٰحِ وَالسَّحَابِ
الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَآءِ وَالْاَرْضِ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يَّعْقِلُوْنَ ﴿١٦٤﴾

هر آئينه در آفرينش آسمانها و زمين وآمدورفت شب و روز و آن كشتى كه ميرود در دريا بآنچه سود ميدهد مردم را(يعنى بتجارت) ودرآنكه فرود آورد خدا ازآسمان آب پس زنده ساخت بسبب وى زمين را پس ازمردن آن و پراگنده ساخت در زمين هر نوع جنبنده و درگردانيدنِ بادها و در ابررام كرده شده ميانِ آسمان و زمين هر آئينهَ نشانه هاست آن گروه را كه درمى يابند (١٦٤) .

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَّتَّخِذُ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ اَنْدَادًا يُّحِبُّوْنَهُمْ كَحُبِّ
اللّٰهِ ۗ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اَشَدُّ حُبًّا لِّلّٰهِ ۗ وَلَوْ يَرَى الَّذِيْنَ ظَلَمُوْٓا اِذْ
يَرَوْنَ الْعَذَابَ ۙ اَنَّ الْقُوَّةَ لِلّٰهِ جَمِيْعًا ۙ وَّاَنَّ
اللّٰهَ شَدِيْدُ الْعَذَابِ ﴿١٦٥﴾

وازمردمان كسى هست كه مي‌گيرد بغيراز خدا همتايان را، دوست ميدارند ايشان را مانند دوستى خدا وكسانيكه ايمان آوردند قوى تراند در دوستى خدا واگر ببينند ستمگاران هنگاميكه مشاهده كنند عذاب را (مى فهمند) اينكه قدرت و توانائى همه خدا را است واينكه خدا صاحب سخت عقوبت است (١٦٥) .

اِذْ تَبَرَّاَ الَّذِيْنَ اتُّبِعُوْا مِنَ الَّذِيْنَ اتَّبَعُوْا وَرَاَوُا الْعَذَابَ
وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْاَسْبَابُ ﴿١٦٦﴾

درآن حالت كه بيزار شوند پيشوايانِ كفر ازتابعان وببينند عذاب را وبريده شود به نسبت ايشان همه اسباب يعنى وسيلها (١٦٦) .

وَقَالَ الَّذِيْنَ اتَّبَعُوْا لَوْ اَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّاَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوْا
مِنَّا ۗ كَذٰلِكَ يُرِيْهِمُ اللّٰهُ اَعْمَالَهُمْ حَسَرٰتٍ عَلَيْهِمْ ۗ
وَمَا هُمْ بِخٰرِجِيْنَ مِنَ النَّارِ ﴿١٦٧﴾

وگويند پيروى كنندگان كاش مارا باز گشتى باشد تابيزارى كنيم ازآن پيشوايان چنانكه بيزار شدند ايشان ازما هم چنين بنمايد خدا در نظر ايشان كردارهاى

ایشانرا پشیمانی ها برایشان ونیستند ایشان بیرون آیندگان از دوزخ (١٦٧) .

يٰٓأَيُّهَا النَّاسُ كُلُوْا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلٰلًا طَيِّبًا ۖ وَّلَا تَتَّبِعُوْا خُطُوٰتِ الشَّيْطٰنِ ۚ إِنَّهٗ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِيْنٌ ﴿١٦٨﴾

ای مردمان بخورید حلال پاکیزه را از آنچه در زمین است و پیروی مکنید گام های شیطان را هر آئینه او شمارا دشمن آشکار است[1] (١٦٨) .

إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوْٓءِ وَالْفَحْشَآءِ وَأَنْ تَقُوْلُوْا عَلَى اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ ﴿١٦٩﴾

جزاین نیست که میفرماید شمارا به بدکاری وبی حیائی و بآنکه افترا کنید برخدا آنچه نمی دانید (١٦٩) .

وَإِذَا قِيْلَ لَهُمُ اتَّبِعُوْا مَآ أَنْزَلَ اللّٰهُ قَالُوْا بَلْ نَتَّبِعُ مَآ أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ اٰبَآءَنَا ۗ أَوَلَوْ كَانَ اٰبَآؤُهُمْ لَا يَعْقِلُوْنَ شَيْئًا وَّلَا يَهْتَدُوْنَ ﴿١٧٠﴾

و چون گفته شود ایشان را پیروی کنید آنراکه فرود آورد خدا گویند بلکه پیروی می کنیم چیزیرا که یافته ایم بروی پدران خویش را آیا تقلید می کنند ا گرچه پدران ایشان نمی فهمیدند چیزی را وراه نمی یافتند (١٧٠) .

وَمَثَلُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا كَمَثَلِ الَّذِيْ يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَآءً وَّنِدَآءً ۗ صُمٌّۢ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَعْقِلُوْنَ ﴿١٧١﴾

ومثال کافران درنشنیدن پندپیغامبرودرك نکردن آن مانند حال کسی است که او آوازکند آنچه را که نشنود او (یعنی حیوانی که درك نکند) از آن آواز جزصدا و خواندن پس ایشان کران و گنگان و کورانند پس ایشان هیچ نمی فهمند (١٧١) .

يٰٓأَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا كُلُوْا مِنْ طَيِّبٰتِ مَا رَزَقْنٰكُمْ وَاشْكُرُوْا لِلّٰهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُوْنَ ﴿١٧٢﴾

ای مسلمانان بخورید ازپاکیزه ها آنچه روزی دادیم شمارا و سپاس گوئید خدارا ا گر هستید اورامی پرستید (١٧٢) .

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيْرِ وَمَآ أُهِلَّ بِهٖ

جزاین نیست که حرام کرده است برشما مرداررا وخون را وگوشت خوك را وآنچه

---

(١) مترجم گوید اهل جاهلیّت چیزهارا ازنزد خویش حرام ساخته بودند بحائر و سوائب خدای تعالی درردّایشان نازل کرد (فتح الرحمن) .

لِغَيْرِ اللّٰهِ ۚ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَّلَا عَادٍ فَلَآ اِثْمَ عَلَيْهِ ؕ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿۱۷۳﴾

آواز بلندکرده شود براوبغیر نام خدا پس هرکه مضطر شود نه تعدی کننده ونه ازحد درگذرنده پس‌گناه نیست بروی (۱) هر آئینه خدا آمرزنده مهربان است (۲) (۱۷۳) .

اِنَّ الَّذِيْنَ يَكْتُمُوْنَ مَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ مِنَ الْكِتٰبِ وَيَشْتَرُوْنَ بِهٖ ثَمَنًا قَلِيْلًا ۙ اُولٰٓئِكَ مَا يَاْكُلُوْنَ فِیْ بُطُوْنِهِمْ اِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللّٰهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَلَا يُزَكِّيْهِمْ ۚۖ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿۱۷۴﴾

هر آئینه کسانیکه می پوشند آنچه فرود آورده است خدا از کتاب ومی ستانند عوض وی بهای اندك، آن جماعت نمی خورند در شکم های خود مگر آتش را وسخن نگوید بایشان خدا روز قیامت و نه پاك کند ایشان را و ایشان راست عذاب درد دهنده (۱۷٤) .

اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ اشْتَرَوُا الضَّلٰلَةَ بِالْهُدٰى وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ ۚ فَمَآ اَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ ﴿۱۷۵﴾

ایشانند آنانکه خرید کردند گمراهی را عوض هدایت وعذاب را عوض آمرزش پس چه شکیباانداایشان بردوزخ (۱۷۵).

ذٰلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ نَزَّلَ الْكِتٰبَ بِالْحَقِّ ؕ وَاِنَّ الَّذِيْنَ اخْتَلَفُوْا فِی الْكِتٰبِ لَفِیْ شِقَاقٍۭ بَعِيْدٍ ﴿۱۷۶﴾

این همه بسبب آنست که خدا فرود آورد کتاب را براستی وهر آئینه آنانکه اختلاف کردند در کتاب البته درمخالفت دوراند ازصواب (۱۷٦) .

لَيْسَ الْبِرَّ اَنْ تُوَلُّوْا وُجُوْهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ

نیست نکوکاری آنکه متوجه کنید روی خـــودرا بطـــرف مشرق و

---

(۱) یعنی درخوردن آن چیزها .

(۲) مترجم گوید که اگرگوئی که درین آیت حصر کرده شد تحریم را دراشیاء مذکوره حالانکه درحدیث سباع وحمار و مانند آن را نیز حرام شمرده است پس وجه تطبیق چه باشد گویم حصراضافی است به نسبت بحائرو سوائب که حرام می دانستند پس دربهیمة الانعام هیچ چیز حرام نیست غیراشیاء مذکوره و درخبائث و سباع ومانند آن سخن نه داشتند والله اعلم .

وَلٰكِنَّ الْبِرَّ مَنْ اٰمَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَالْمَلٰٓئِكَةِ وَالْكِتٰبِ
وَالنَّبِيّٖنَ ۚ وَاٰتَى الْمَالَ عَلٰى حُبِّهٖ ذَوِي الْقُرْبٰى وَالْيَتٰمٰى
وَالْمَسٰكِيْنَ وَابْنَ السَّبِيْلِ ۙ وَالسَّآئِلِيْنَ وَفِي الرِّقَابِ ۚ
وَاَقَامَ الصَّلٰوةَ وَاٰتَى الزَّكٰوةَ ۚ وَالْمُوْفُوْنَ بِعَهْدِهِمْ اِذَا
عٰهَدُوْا ۚ وَالصّٰبِرِيْنَ فِي الْبَاْسَآءِ وَالضَّرَّآءِ وَحِيْنَ
الْبَاْسِ ۗ اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ صَدَقُوْا ۗ وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُتَّقُوْنَ ﴿١٧٧﴾

مغرب[١] وليكن صاحب نكوكارى آنست[٢] كه بخدا وروز قيامت و فرشتگان و كتاب و پيغامبران ايمان آورد و بدهد مال را باوجود دوست داشتن آن مال به خويشاوندان و يتيمان و فقيران ومسافران را وسوال كنندگان را وخرچ كند درباب بردها[٣] وبرپادارد نمازرا و بدهدزكوٰة را ووفا كنندگان برعهدخويش چون عهد كنند وصبر كنندگان درتنگ دستى وسختى وبوقت كارزار ايشانند راست گو وايشانند پرهيز گاران (١٧٧) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلٰى ۗ اَلْحُرُّ
بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْاُنْثٰى بِالْاُنْثٰى ۗ فَمَنْ عُفِيَ لَهٗ مِنْ اَخِيْهِ
شَيْءٌ فَاتِّبَاعٌ ۢ بِالْمَعْرُوْفِ وَاَدَآءٌ اِلَيْهِ بِاِحْسَانٍ ۗ ذٰلِكَ تَخْفِيْفٌ مِّنْ
رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ ۗ فَمَنِ اعْتَدٰى بَعْدَ ذٰلِكَ فَلَهٗ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿١٧٨﴾

اى مسلمانان لازم كرده شد برشما قصاص دركشتگان [٤] آزاد در مقابلهٔ آزاد است [٥] وبنده درمقابلهٔ بنده وزن در مقابلهٔ زن پس كسى كه درگذاشته شد از او چيزى را ازخون برادرش[٦] پس حكم او پيروى كردن است به نيكوئى[٧] ورسانيدن خون بهاست بوى به خوش خوئى[٨] اين حكم سبك كردن است

---

(١) يعنى توجه جهت مشرق و مغرب چنانكه يهودونصارىٰ زعم مى كنند نيكوكارى نيست بلكه منسوخ شده است .

(٢) يعنى صاحب آن نيكوكارى كه ملتهادرآن اختلاف ندارند فتح .

(٣) يعنى درآزادى يا خلاصى بندگان مكاتب .

(٤) يعنى اعتبار مماثلث دركشتگان .

(٥) يعنى مثل اوست درحكم .

(٦) يعنى چيزى ازخون مسلمان مقتول .

(٧) يعنى وى دم به حسن معامله مطالبه كندنه به درشتى .

(٨) يعنى قاتل به خوش خوئى ادانمايد نه به صعوبت .

ازپروردگار شماو مهربانی است پس هرکه ازحد گذرد بعد ازین ویراست عذاب درد دهنده (۱۷۸) .

وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيٰوةٌ يّٰاُولِي الْاَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ ﴿۱۷۹﴾

وشمارا بسبب قصاص زندگانی است ای خداوندانِ خرد تاباشیدکه پرهیزگاری کنید[1] (۱۷۹) .

كُتِبَ عَلَيْكُمْ اِذَا حَضَرَ اَحَدَكُمُ الْمَوْتُ اِنْ تَرَكَ خَيْرَا ۨ الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْاَقْرَبِيْنَ بِالْمَعْرُوْفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِيْنَ ﴿۱۸۰﴾

لازم کرده شد برشما و قتیکه پیش آید کسی را ازشماموت اگر مال بگذارد وصیت کردن برای پدرومادر ونزدیکان به نیکوئی لازم شد این کاربرمتقیان (۱۸۰) .

فَمَنْ بَدَّلَهٗ بَعْدَ مَا سَمِعَهٗ فَاِنَّمَآ اِثْمُهٗ عَلَى الَّذِيْنَ يُبَدِّلُوْنَهٗ اِنَّ اللّٰهَ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ ﴿۱۸۱﴾

پس هرکه بدل کند وصیت را بعدازآنکه شنیدش پس جزین نیست که‌گناهِ تبدیل برآنکسان است که بدل می کنندآن وصیت را هر آئینه خدا شنوای داناست (۱۸۱).

---

(۱) اهل جاهلیت شریف را در مقابله وضیع نمیکشتند ودر مقابله شریف چند کس ازوضیع میکشتند خدای تعالی نازل فرمودکه حکم الهی باعتبار مماثلت است دراجناس کشتگان باین معنی که احراررا حکم جداست که هرحرمثل حر دیگرست درآن حکم وعبید را حکم جداست که هر عبد مثل عبد دیگرست درآن حکم و زنانرا حکم جداست که هرزن مثل زن دیگرست درآن حکم وامتیاز زنان ست حکم و درباب دیات نه در باب قود یعنی قصاص پس هر فردی ازین اجناس مساوی ست بافرد دیگر هرچند بعضی شریف باشد و بعضبی وضیع و بعضی جمیل وبعضی ذمیم بعضی مالدار و بعضی فقیر وسنت زیاده کرده است دوجنس دیگر مسلمان درمقابله مسلمان است و کافر در مقابله کافر پس اگر بعض ورثه عفوکنند یا ازکشتن گذشته خون بها قبول نمایند ولی دوم را باید که بحسن معامله مطالبه کند نه بدرشتی و قاتل را باید که بخوشخوئی اداکند نه به بدخوئی .

فَمَنْ خَافَ مِنْ مُّوْصٍ جَنَفًا اَوْ اِثْمًا فَاَصْلَحَ بَيْنَهُمْ
فَلَآ اِثْمَ عَلَيْهِ ۭ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿١٨٢﴾

پس هرکه ترسید ازوصیت کننده ظلمی یا گناهی پس صلاح آرد درمیان ایشان پس هیچ گناه نیست بروی هر آئینه خدا آمرزنده مهربان است[١] (١٨٢) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ
عَلَى الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ ﴿١٨٣﴾

ای کسانیکه ایمان آوردند لازم کرده شد برشما روزه داشتن چنانچه لازم کرده شد برکسانیکه پیش ازشمابودند تاباشدکه پرهیزگاری کنید (١٨٣) .

اَيَّامًا مَّعْدُوْدٰتٍ ۭ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيْضًا اَوْ عَلٰي سَفَرٍ
فَعِدَّةٌ مِّنْ اَيَّامٍ اُخَرَ ۭ وَعَلَي الَّذِيْنَ يُطِيْقُوْنَهٗ فِدْيَةٌ
طَعَامُ مِسْكِيْنٍ ۭ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَّهٗ ۭ وَاَنْ
تَصُوْمُوْا خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ﴿١٨٤﴾

روزه داشتن چند روز شمرده شده پس هرکه باشد ازشما بیمار یا مسافر پس لازم است شمارا آن ازروزهای دیگر و لازم است برآنانکه میتوانند روزه داشتن (یعنی ونمی دارند) فدیه[٢] که عبارت ازخوراك یك درویش است پس هرکه بجا آرد نیکی این پس بهتر است اورا وآنکه روزه دارید بهتر است شمارا اگر شمامی دانید[٣] (١٨٤) .

---

(١) حکم وصیت منسوخ است بآیت مواریث .

(٢) مضمون این آیت تخییر است درصوم و فدیه این معنی منسوخ شد به آیتی که متصل می آید مترجم گوید شاید که معنی آیت چنین باشد که واجب است برآنانکه میتوانند داد فدیه را دادن فدیه که عبارت ازطعام یك درویش است مراد صدقه الفطراست و سنت آنرا مقدر کردبه یك صاع خرما یا صاع از طعام پس آیت محکم باشدنه منسوخ و شاید که معنی آیت چنین باشد واجب است برآنانکه میتوانند قضاکردن یعنی وقضانکردند تاآنکه رمضان دیگر درآمد والله اعلم .

(٣) فدیه دادن که عبارت ازطعام یك مسکین ست وآن مقدراست بیك مد واین حکم منقول است از قاسم وسعیدبن جبیر و همین است مذهب شافعی ودرین صورت نیز محکم است غیر منسوخ .

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِيٓ أُنْزِلَ فِيْهِ الْقُرْاٰنُ هُدًى لِّلنَّاسِ
وَبَيِّنٰتٍ مِّنَ الْهُدٰى وَالْفُرْقَانِ ۚ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ
الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ ۖ وَمَنْ كَانَ مَرِيْضًا اَوْ عَلٰى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ
مِّنْ اَيَّامٍ اُخَرَ ۗ يُرِيْدُ اللّٰهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيْدُ بِكُمُ الْعُسْرَ
وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللّٰهَ عَلٰى مَا هَدٰىكُمْ
وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ ﴿١٨٥﴾

ماه رمضان آن است که فرود آورده شد دروی قرآن راه نمای برای مردمان وسخنان روشن ازهدایت وازجداکردن حق و باطل پس هرکه دریابد ازشما آن ماه را پس البته روزه دارد آن را وهرکه بیمارباشد یا مسافر پس بروی لازم است شمار آنچه فوت شد از روزهای دیگر میخواهد خدا به شما آسانی ونمی خواهد بشما دشواری و میخواهد که تمام کنید شمار را وبه بزرگی یاد کنید خدارا به شکر آنکه راه نمود شمارا وتاباشدکه شما شاکر شوید (۱۸۵) .

وَاِذَا سَاَلَكَ عِبَادِيْ عَنِّيْ فَاِنِّيْ قَرِيْبٌ ۖ اُجِيْبُ دَعْوَةَ
الدَّاعِ اِذَا دَعَانِ ۖ فَلْيَسْتَجِيْبُوْا لِيْ وَلْيُؤْمِنُوْا بِيْ لَعَلَّهُمْ
يَرْشُدُوْنَ ﴿١٨٦﴾

وچون استفسار کنندترا بندگان من ازحال من پس هر آئینه من نزدیك ام قبول می کنم دعای دعا کننده را وقتیکه دعاکندمرا پس باید که فرمانبرداری من کنند و باید که بگروند بمن تاباشد که راه یابند (۱۸٦) .

اُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ اِلٰى نِسَآئِكُمْ ۚ هُنَّ
لِبَاسٌ لَّكُمْ وَاَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ ۗ عَلِمَ اللّٰهُ اَنَّكُمْ كُنْتُمْ
تَخْتَانُوْنَ اَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ ۚ فَالْـٰٔنَ
بَاشِرُوْهُنَّ وَابْتَغُوْا مَا كَتَبَ اللّٰهُ لَكُمْ ۚ وَكُلُوْا وَاشْرَبُوْا حَتّٰى
يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْاَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْاَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ۖ
ثُمَّ اَتِمُّوا الصِّيَامَ اِلَى الَّيْلِ ۚ وَلَا تُبَاشِرُوْهُنَّ وَاَنْتُمْ
عٰكِفُوْنَ فِي الْمَسٰجِدِ ۗ تِلْكَ حُدُوْدُ اللّٰهِ فَلَا تَقْرَبُوْهَا ۗ

حلال کرده شد برای شما درشبِ روزه مخالطت کردن با زنان خود ایشان بمنزلهٔ پوشش اند شمارا وشما بجای پوشش اید ایشان را دانست خدا که شماخیانت می کردید درحق خویشتن پس بمهربانی باز گشت برشما و درگذشت ازشما پس الآن مخالطت کنید بازنان و طلب کنید آنچه مقدر کرده است خدا برای شما(یعنی اولاد) و بخورید و به نوشید تاآنکه روشن شود برای شما رشتهٔ سفید ازرشتهٔ سیاه (مراد از رشتهٔ سفید

كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ اٰيٰتِهٖ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُوْنَ ۝١٨٧

فجراست) پس ازآن تمام کنید روزه راتاشب ومساس نکنید زنان را درحالیکه شما معتکف باشید درمسجدها این ها منهیات خدا است پس نزدیك نشوید بآنها همچنین بیان می کند خداآیت های خود را برای مردمان تاپرهیزگاری کنند (۱۸۷) .

وَلَا تَاْكُلُوْٓا اَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوْا بِهَآ
اِلَى الْحُكَّامِ لِتَاْكُلُوْا فَرِيْقًا مِّنْ اَمْوَالِ النَّاسِ
بِالْاِثْمِ وَاَنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ۝١٨٨

و مخورید اموال خویش را درمیان خویشتن بناحق و مرسانید اموال خود را به حاکمان (یعنی برشوت) تابخورید پاره ای از اموال مردم به گناه (به ستم) درحالیکه شما میدانید (۱۸۸) .

يَسْـَٔلُوْنَكَ عَنِ الْاَهِلَّةِ ۭ قُلْ هِىَ مَوَاقِيْتُ لِلنَّاسِ
وَالْحَجِّ ۭ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِاَنْ تَاْتُوا الْبُيُوْتَ مِنْ
ظُهُوْرِهَا وَلٰكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقٰى ۚ وَاْتُوا الْبُيُوْتَ
مِنْ اَبْوَابِهَا ۠ وَاتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ ۝١٨٩

می پرسند ترا[1] ازماه های بگو این ها میعاداند برای مردمان و برای حج [2] و نیست نیکوکاری آنکه درآئید درخانه های (در حالت احرام) ازپس پشت آنها ولیکن صاحب نیکوکاری آنست که پرهیزگاری کند و درآئید درخانه ها ازراه دروازه ها و بترسید ازخدا تا باشد که شما رستگار شوید (۱۸۹) .

وَقَاتِلُوْا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ الَّذِيْنَ يُقَاتِلُوْنَكُمْ

وجنگ کنید درراه خدا بآنانکه جنگ می کنندباشما وازحد مگذرید هر آئینه خدا

---

(۱) مترجم گوید ظاهرنزدیك این بنده آن ست که سوال کردند ازشهرحج که شوال و ذیقعده ونه روز از ذی الحجه باشد که آیا حج موقت است بآنهایانه ویکی از تحریفات جاهلیت آن بود که درحالت احرام ازبالای دیوار جسته ویا ازسوارخ دیوارگذشته بخانه می آمدند واز راه دروازه نمی آمدند پس نازل شداین آیت .

(۲) یعنی تامردمان احرام حج بندند در آنها فتح الرحمن .

وَلَا تَعْتَدُوْا ۚ إِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِيْنَ ﴿١٩٠﴾

دوست نمی دارد ازحد گذرندگان را (١٩٠) .

وَاقْتُلُوْهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوْهُمْ وَاَخْرِجُوْهُمْ مِّنْ حَيْثُ اَخْرَجُوْكُمْ وَالْفِتْنَةُ اَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ ۚ وَلَا تُقٰتِلُوْهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتّٰى يُقٰتِلُوْكُمْ فِيْهِ ۚ فَاِنْ قٰتَلُوْكُمْ فَاقْتُلُوْهُمْ ۗ كَذٰلِكَ جَزَآءُ الْكٰفِرِيْنَ ﴿١٩١﴾

و بکشید مشرکان را هرجاکه بیابیدایشان را وبیرون کنید ایشان را ازآنجا که بیرون کردند شمارا(یعنی ازمکه) و غلبه شرك سخت تر است ازقتل [1] وکارزار مکنید باایشان نزدیك مسجدحرام تاآنکه کارزار کنند باشما درآن جا پس اگر بجنگند باشما پس بکشید ایشان را هم چنین است سزای کافران (١٩١) .

فَاِنِ انْتَهَوْا فَاِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿١٩٢﴾

پس اگر بازماندند پس هر آئینه خدا آمرزندهٔ مهربان است (١٩٢) .

وَقٰتِلُوْهُمْ حَتّٰى لَا تَكُوْنَ فِتْنَةٌ وَّيَكُوْنَ الدِّيْنُ لِلّٰهِ ۚ فَاِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ اِلَّا عَلَى الظّٰلِمِيْنَ ﴿١٩٣﴾

وبجنگیدباایشان تاآنکه نابودشود شرك و شود دین محض برای خدا پس اگر باز ماندند[2] پس نیست دست درازی مگر برستمگاران (١٩٣) .

اَلشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمٰتُ قِصَاصٌ ۚ فَمَنِ اعْتَدٰى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوْا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدٰى عَلَيْكُمْ ۖ وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاعْلَمُوْٓا اَنَّ اللّٰهَ مَعَ الْمُتَّقِيْنَ ﴿١٩٤﴾

ماه حرام عوض ماه حرام است وحرمت شکنیهادارای قصاص است پس هرکه تعدی کند برشما پس دست درازی کنید بروی مانند دست درازئ وی برشما وبترسید ازخدا و بدانید که خدا باپرهیزگاران است[3] (١٩٤) .

---

(١) یعنی در مقابلهٔ او قتل جائزاست .

(٢) یعنی ازشرك .

(٣) حاصل این آیات آنست که درمسجد حرام ودرشهرحرام ابتداء به قتال نباید کرد وچون کافران ابتدا کنند در مقابله ایشان باید جنگ کردن که این معنی باحرمت مسجد وشهر نزاع ندارد چنانکه ابتداء ازکشتن مسلمان درست نیست و اگر خون=

وَأَنفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ ۛ
وَأَحْسِنُوا ۛ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٩٥﴾

وخرج کنید درراه خدا و میفگنید خویشتن را بسوی هلاکت ونیکوکاری کنید هر آئینه خدا دوست می دارد نیکوکاران را (۱۹۵) .

وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ ۚ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ
مِنَ الْهَدْيِ ۖ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحِلَّهُ ۚ
فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِّن رَّأْسِهِ فَفِدْيَةٌ
مِّن صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ ۚ فَإِذَا أَمِنتُمْ فَمَن تَمَتَّعَ
بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ ۚ فَمَن لَّمْ يَجِدْ
فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ ۗ تِلْكَ عَشَرَةٌ
كَامِلَةٌ ۗ ذَٰلِكَ لِمَن لَّمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ۚ
وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿١٩٦﴾

وتمام کنید حج و عمره را برای خدا پس اگر بازداشت شوید لازم است آنچه سهل باشد ازقربانی و متراشید سرهای خودرا تاآنکه برسد قربانی بجائش(۱) پس هرکه باشد ازشما بیمار یا اورا رنجی باشد درسراو(۲) پس لازم است عوض آن از روزه یا صدقه یاقربانی پس چون ایمن شدید پس هرکه بهره ورشدبه اداء عمره(۳) سپس به اداء حج (یعنی تمتع کرد یا قران) پس لازم است آنچه سهل باشد از قربانی پس هرکه نیابد پس لازم است روزه داشتن سه روز دروقت حج وهفت روز وقتیکه بازگردید ازسفراین یك ده تمام ست این حکم آن راست که نه باشد خانواده وی باشندهٔ مسجد حرام و بترسید ازخدا وبدانید که خدا سخت عقوبت ست(٤) (۱۹٦) .

= ناحق ریخته باشد به قصاص میتوان کشت و فقهاء بآن سبب تصریح نکرده اند که اقامت حربیان به مکه بعد فتح مکه بودنی نیست والله اعلم .

(۱) یعنی درحج رمی جمرة العقبه کنند بمنی و در عمره ازسعی بین الصفا والمروه فارغ شوندبه مکه والله اعلم .

(۲) یعنی شپش بسیار داشته باشد و باین سبب حلق کند پیش ازحلال شدن والله اعلم .

(۳) یعنی بامورممنوعه احرام بهره و رشد .

(٤) درین آیت چندحکم مذکور شده است و جواب اتمام حج و عمره بعداز شروع =

الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ فَمَن فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ
وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ
اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ
وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ (۱۹۷)

حج موقت است بماه های دانسته شده[۱] پس هر که لازم کردبرخود درین ماه هاحج را (یعنی احرام بست) پس مخالطت زنان جائز نیست ونه بدکاری ونه باهم مشاجره کردن درحج وهرچه می کنید ازنیکی میداند او را خدا وتوشه همراه گیرید هر آئینه بهترین فوائد توشه پرهیزگاری است (یعنی ازسوال و دزدی) وازمن بترسید ای خداوندان خرد (۱۹۷).

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ
فَإِذَا أَفَضْتُم مِّنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِندَ
الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِن
كُنتُم مِّن قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّينَ (۱۹۸)

نیست شمارا گناهی درآنکه طلب کنید درموسم حج روزی ازپروردگار خویش پس آنگاه که باز گردید ازعرفات پس یادکنید خدارا نزدیك مشعر حرام (یعنی بمزدلفه) ویاد کنید خدارا به شکر آنکه راه نموده است شمارا وهر آئینه بودید پیش ازین ازگمراهان (۱۹۸).

ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا
اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۹۹)

پس بازگردیدازآنجا که باز میگردند عامه مردمان[۲] وآمرزش طلب کنید ازخدا هرآئینه خدا آمرزنده مهربانست (۱۹۹).

فَإِذَا قَضَيْتُم مَّنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ
كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ

پس چون ادا کردید ارکان حج خویش را پس یاد کنید خدا را (یعنی درمنیٰ) مانند یاد کردن شما پدرانِ خویش را بلکه

= وحکم احصار وکفارت ارتکاب امورممنوعه احرام به عذر مرض و ماهیت تمتع ووجوب قربانی برمتمتع والله اعلم .

(۱) یعنی شوال و ذیقعده و عشره ذالحجه .

(۲) مترجم گوید یعنی از عرفات نه ازمزدلفه چنانکه قریش تحریف کرده بودند و الله اعلم .

مَنْ يَّقُوْلُ رَبَّنَآ اٰتِنَا فِى الدُّنْيَا وَمَا لَهٗ فِى الْاٰخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ ﴿٢٠٠﴾

زیاده تر یاد کردن پس ازمردمان کسی هست که می گوید ای پروردگارما بده مارا دردنیا ونیست اورا در آخرت هیچ نصیبی (٢٠٠) .

وَمِنْهُمْ مَّنْ يَّقُوْلُ رَبَّنَآ اٰتِنَا فِى الدُّنْيَا حَسَنَةً وَّفِى الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَّقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿٢٠١﴾

وازمردمان کسی هست که می گوید ای پروردگارما بده مارا دردنیا نعمت ودرآخرت نعمت و محفوظ دار مارا ازعذاب دوزخ (٢٠١) .

اُولٰٓئِكَ لَهُمْ نَصِيْبٌ مِّمَّا كَسَبُوْا ۭ وَاللّٰهُ سَرِيْعُ الْحِسَابِ ﴿٢٠٢﴾

این گروه ایشان راست بهره از ثواب آنچه بعمل آوردند (یعنی از ثواب آخرت) و خدا زود کنندهٔ حساب است (٢٠٢) .

وَاذْكُرُوا اللّٰهَ فِيْٓ اَيَّامٍ مَّعْدُوْدٰتٍ ۭ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِيْ يَوْمَيْنِ فَلَآ اِثْمَ عَلَيْهِ ۚ وَمَنْ تَاَخَّرَ فَلَآ اِثْمَ عَلَيْهِ ۙ لِمَنِ اتَّقٰى ۭ وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاعْلَمُوْٓا اَنَّكُمْ اِلَيْهِ تُحْشَرُوْنَ ﴿٢٠٣﴾

و یاد کنید خدارا درچند روز شمرده شده (یعنی ایام منیٰ) پس کسی که شتاب کوچ کند دردو روز (یعنی ازمنیٰ) پس گناه نیست بروی وآنکه دیرماند پس گناه نیست بروی مرآنرا که پرهیزگاری کند وبترسید از خدا و بدانید که شما بسوی وی جمع آورده خواهیدشد[1] (٢٠٣) .

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُّعْجِبُكَ قَوْلُهٗ فِى الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَيُشْهِدُ اللّٰهَ عَلٰى مَا فِيْ قَلْبِهٖ ۙ وَهُوَ اَلَدُّ الْخِصَامِ ﴿٢٠٤﴾

و ازمردمان کسی هست که بشگفت می آرد ترا سخن او درباب زندگانی دنیا و گواه می آرد خدا را برآنچه دردل ویست حال آنکه او سخت ترین ستیزندگان ست (٢٠٤) .

وَاِذَا تَوَلّٰى سَعٰى فِى الْاَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيْهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ ۭ وَاللّٰهُ لَا يُحِبُّ الْفَسَادَ ﴿٢٠٥﴾

وچون ریاست پیداکند بشتابد درزمین تاتباهی کند درآن ونابود سازد زراعت

---

(١) مترجم گویدبعدازین خدای تعالی تصویرمی فرماید حال کافران ومومنان را والله اعلم .

ومواشی را وخدا دوست ندارد تباه کاری را (٢٠٥) .

وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿٢٠٦﴾

وچون گفته شود اورا بترس ازخدا حمل کندش تکبر برگناه پس کفایت کنندهٔ وی دوزخ است وهر آئینه وی بدجائیست (٢٠٦) .

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ ﴿٢٠٧﴾

وازمردمان کسی هست که میفروشد خویش را برای طلب رضامندی خدا و خدا مهربان است بر بندگان (٢٠٧) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿٢٠٨﴾

ای کسانیکه ایمان آوردید درآئید باسلام همه یك جا وپیروی مکنید گامهای شیطان را هر آئینه اوشمارا دشمن آشکاراهست (٢٠٨) .

فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمُ الْبَيِّنَاتُ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٠٩﴾

پس اگر لغزیدید بعد ازآنکه آمد به شما سخنان روشن پس بدانید که خدا غالب داناست (٢٠٩) .

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٢١٠﴾

انتظار نمی کنند اهل عصیان مگر آن راکه بیاید بایشان خدا در سایبان ها از ابر وبیایند فرشتگان و بانجام رسانیده شودکار وبسوی خدا بازگردانیده میشوند کارها (٢١٠) .

سَلْ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمْ آتَيْنَاهُمْ مِنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢١١﴾

بپرس از بنی اسرائیل چه قدر دادیم ایشان را از نشانه های روشن وهرکه بدل کند نعمت خدارا پس ازآنکه بیاید بوی یعنی کفر پیش گیرد تانعمت مفقود گردد پس هر آئینه خدا سخت عقوبت ست (٢١١) .

زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ

آراسته کرده شده است کافران را زندگانی این جهان وسخریه می کنند

اٰمَنُوْا ۘ وَالَّذِيْنَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ؕ وَاللّٰهُ يَرْزُقُ مَنْ يَّشَآءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٢١٢﴾

باهلِ ایمان وکسانیکه تقوی دارند بالا ترازایشان باشند روزقیامت و خدا روزی میدهد هرکرامی خواهد بی شمار (یعنی بسیار) (٢١٢) .

كَانَ النَّاسُ اُمَّةً وَّاحِدَةً ۫ فَبَعَثَ اللّٰهُ النَّبِيّٖنَ مُبَشِّرِيْنَ وَمُنْذِرِيْنَ ۪ وَاَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتٰبَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيْمَا اخْتَلَفُوْا فِيْهِ ؕ وَمَا اخْتَلَفَ فِيْهِ اِلَّا الَّذِيْنَ اُوْتُوْهُ مِنْۢ بَعْدِ مَا جَآءَتْهُمُ الْبَيِّنٰتُ بَغْيًاۢ بَيْنَهُمْ ۚ فَهَدَى اللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لِمَا اخْتَلَفُوْا فِيْهِ مِنَ الْحَقِّ بِاِذْنِهٖ ؕ وَاللّٰهُ يَهْدِيْ مَنْ يَّشَآءُ اِلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ ﴿٢١٣﴾

بودند مردمان يك گروه[1] پس فرستاد خدای تعالی پیغامبران را بشارت دهنده وبیم کننده وفرود آورد بایشان کتاب به راستی تاحکم کند آن کتاب میان مردمان درآنچه اختلاف کردند درآن[2] واختلاف نه کردند درآن مگر کسانیکه داده شده بایشان کتاب (یعنی امت دعوت) بعد ازآنکه آمد بایشان نشانه ها ازجهت حسد درمیان خویش پس راه نمود خدا مومنان را بآن حق که اختلاف کردند دروی بارادهٔ خود و خدا راه می نماید کسی را که خواهد بسوی راه راست[3] (٢١٣) .

اَمْ حَسِبْتُمْ اَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَاْتِكُمْ مَّثَلُ الَّذِيْنَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ ؕ مَسَّتْهُمُ الْبَاْسَآءُ وَالضَّرَّآءُ وَزُلْزِلُوْا حَتّٰى يَقُوْلَ الرَّسُوْلُ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مَعَهٗ مَتٰى نَصْرُ اللّٰهِ ؕ اَلَآ اِنَّ نَصْرَ اللّٰهِ قَرِيْبٌ ﴿٢١٤﴾

آیا پنداشتید ای مردمان که درآئید به بهشت حال آنکه هنوز پیش نیامده است شمارا حالت آنانکه گذشتند پیش ازشما رسیدبایشان سختی و محنت و جنبانیده شدند تاآنکه می گفت پیغامبر وکسانیکه ایمان آوردند باوی کی باشد یاری دادن خدا آ گاه شوید که هرآئینه یاری دادن

---

(١) یعنی پیش از آمدن هرپیغامبر متفق بودند بایك دیگر دردینِ او اختلاف نداشتند .

(٢) یعنی دراصول مختلف می شوند .

(٣) حاصل آنست که سُنة الله جاری شده است بآنکه بعد بعثت هر پیغامبر درامت دعوت اختلاف واقع می شود ازان تنگدل نبایدشد والله اعلم .

خدا نزدیك است (۲۱۴) .

يَسْـَٔلُوْنَكَ مَاذَا يُنْفِقُوْنَ ۬ قُلْ مَآ اَنْفَقْتُمْ مِّنْ خَيْرٍ
فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْاَقْرَبِيْنَ وَالْيَتٰمٰى وَالْمَسٰكِيْنِ وَابْنِ
السَّبِيْلِ ۭ وَمَا تَفْعَلُوْا مِنْ خَيْرٍ فَاِنَّ اللّٰهَ بِهٖ عَلِيْمٌ ﴿۲۱۵﴾

سوال می کنندترا که چه چیزرا خرج کنند بگو آنچه خرج کردید ازمال پس مادر و پدر را باید و خویشاوندان و یتیمان و درویشان ومسافران را و آنچه کنید ازنیکی پس هر آئینه خدا بوی داناست (۲۱۵) .

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ ۚ وَعَسٰٓى اَنْ تَكْرَهُوْا شَيْـًٔا
وَّهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ ۚ وَعَسٰٓى اَنْ تُحِبُّوْا شَيْـًٔا وَّهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ ۭ وَاللّٰهُ
يَعْلَمُ وَاَنْتُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ ﴿۲۱۶﴾

لازم کرده شد برشما جنگ وآن دشواراست شمارا و شاید که شماناخوش داریدچیزی راحال آنکه وی بهتر باشدشمارا وشاید که دوست دارید چیزی را حال آنکه وی بدباشدشمارا وخدا میداند وشمانمی دانید (۲۱٦) .

يَسْـَٔلُوْنَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيْهِ ۭ قُلْ قِتَالٌ فِيْهِ
كَبِيْرٌ ۭ وَصَدٌّ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَكُفْرٌۢ بِهٖ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ۤ
وَاِخْرَاجُ اَهْلِهٖ مِنْهُ اَكْبَرُ عِنْدَ اللّٰهِ ۚ وَالْفِتْنَةُ اَكْبَرُ مِنَ
الْقَتْلِ ۭ وَلَا يَزَالُوْنَ يُقَاتِلُوْنَكُمْ حَتّٰى يَرُدُّوْكُمْ عَنْ
دِيْنِكُمْ اِنِ اسْتَطَاعُوْا ۭ وَمَنْ يَّرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِيْنِهٖ
فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَاُولٰۗىِٕكَ حَبِطَتْ اَعْمَالُهُمْ فِي

سوال می کنند ترا ازماه حرام از جنگ کردن درآن[۱] بگو جنگ کردن دروی سخت کاری است و باز داشتن ازراه خدا وناگرویدن بخدا و باز داشتن از مسجد حرام وبیرون کردن اهل این مسجد ازوی سخت تر است نزدیك خدا وفتنه انگیختن[۲] سخت تر است ازکشتن[۳] وهمیشه باشند که جنگ می

---

(۱) یعنی رجب، ذی القعده و ذی الحجه و محرم که درشریعت حضرت ابراهیم جنگ کردن درین ماه ها حرام بود پس سوال کردند که در شریعت محمدیه حکم تحریم باقی مانده یانه ؟ الله اعلم .

(۲) یعنی ترویج شرك .

(۳) حاصل جواب آنست که قتال کفار جائز است و تحریم قتالِ مسلمین مغلظه میشود والله اعلم .

الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ ۚ وَاُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ النَّارِ ۚ هُمْ فِيْهَا
خٰلِدُوْنَ ﴿٢١٧﴾

کنند باشما تاآنکه بازگردانند شمارا ازدین شما (یعنی از اسلام)اگر توانند وهرکه برگردد ازشما ازدین خود پس کافر بمیرد آن گروه نابود شد کارهای ایشان دردنیا و آخرت وایشانند باشندگان دوزخ ایشان درآنجا جاویدند (٢١٧) .

اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَالَّذِيْنَ هَاجَرُوْا وَجٰهَدُوْا فِيْ سَبِيْلِ
اللّٰهِ ۙ اُولٰٓئِكَ يَرْجُوْنَ رَحْمَتَ اللّٰهِ ۗ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿٢١٨﴾

هرآئینه آنانکه ایمان آوردند وآنانکه هجرت کردند وجهادنمودند در راه خدا آن گروه امیدوارند بخشایش خدا را وخدا آمرزندهٔ مهربان ست (٢١٨) .

يَسْئَلُوْنَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ ۖ قُلْ فِيْهِمَآ اِثْمٌ كَبِيْرٌ
وَّمَنَافِعُ لِلنَّاسِ ۫ وَاِثْمُهُمَآ اَكْبَرُ مِنْ نَّفْعِهِمَا ۗ
وَيَسْئَلُوْنَكَ مَاذَا يُنْفِقُوْنَ ۬ قُلِ الْعَفْوَ ۗ كَذٰلِكَ
يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمُ الْاٰيٰتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُوْنَ ﴿٢١٩﴾

سوال می کنند ترا ازشراب و قمار بگو درین هردوگناه بزرگ است و نفع هاست مردمان را (یعنی دردنیا) وگناه این هر دو بزرگ تر است از نفع آنها(١) و سوال می کنند ترا چه چیز خرج بکنند بگوخرج کنید زیاده را(٢) هم چنین بیان می کند خدا برای شما آیت ها را تاباشدکه تأمل کنید (٢١٩) .

فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ ۗ وَيَسْئَلُوْنَكَ عَنِ الْيَتٰمٰى ۖ قُلْ اِصْلَاحٌ
لَّهُمْ خَيْرٌ ۖ وَاِنْ تُخَالِطُوْهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ ۚ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ
مِنَ الْمُصْلِحِ ۚ وَلَوْ شَآءَ اللّٰهُ لَاَعْنَتَكُمْ ۚ اِنَّ اللّٰهَ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ ﴿٢٢٠﴾

در مصلحتِ دنیا و آخرت وسوال می کنندترا از یتیمان بگو بصلاح آوردن کار ایشان بهتر است(٣) واگر مشارکت کنید بایشان پس ایشان برادران شمایند و خدا میداند تباه کاررا از صلاح کار واگر خدا می‌خواست سخت می‌گرفت شمارا هر آئینه

---

(١) یعنی حرام اندو به منافع التفات نه بایدکرد والله اعلم .

(٢) یعنی ازحاجت ضروری .

(٣) یعنی بغیر شرکت .

خدا غالب استوار کاراست (۲۲۰).

وَلَاتَنْكِحُوا الْمُشْرِكٰتِ حَتّٰى يُؤْمِنَّ وَلَاَمَةٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ
مُّشْرِكَةٍ وَّلَوْ اَعْجَبَتْكُمْ وَلَاتُنْكِحُوا الْمُشْرِكِيْنَ حَتّٰى يُؤْمِنُوْا
وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَّلَوْ اَعْجَبَكُمْ اُولٰٓئِكَ
يَدْعُوْنَ اِلَى النَّارِ وَاللّٰهُ يَدْعُوْٓا اِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ
بِاِذْنِهٖ وَيُبَيِّنُ اٰيٰتِهٖ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُوْنَ ﴿۲۲۱﴾

وبزنی مگیرید زنان مشرك را تاآنکه ایمان آرند و هر آئینه کنیز مسلمان بهتر است اززن مشرك اگر چه بشگفت آورده باشد شمارا و بزنی مدهید به مشرکان تاآنکه ایمان آرند (یعنی زنانِ مومنه را) و هر آئینه غلام مسلمان بهتر است از مشرك ا گرچه به شگفت آورده باشد شمارا[۱] گروه مشرکان می خوانند به سوی دوزخ وخدا می خواند بسوی بهشت و بسوی آمرزش بقدرت خود وبیان می کند آیتهای خودرا برای مردمان تاباشدکه پندپذیر شوند (۲۲۱)

وَيَسْـَٔلُوْنَكَ عَنِ الْمَحِيْضِ قُلْ هُوَ اَذًى فَاعْتَزِلُوا النِّسَآءَ فِى
الْمَحِيْضِ وَلَاتَقْرَبُوْهُنَّ حَتّٰى يَطْهُرْنَ فَاِذَا تَطَهَّرْنَ فَاْتُوْهُنَّ
مِنْ حَيْثُ اَمَرَكُمُ اللّٰهُ اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ التَّوَّابِيْنَ وَيُحِبُّ
الْمُتَطَهِّرِيْنَ ﴿۲۲۲﴾

و سوال می کنند ترا از حیض بگو که وی نجاست است پس یکسو شوید اززنان درحال حیض و نزدیکی مکنید بایشان تاآنکه پاك شوند پس چون نیك پاك شدند[۲] پس نزدیکی کنید باایشان ازآن راه که مباح کرده است شمار خدا (یعنی در قُبُلْ) هر آئینه خدا دوست میدارد توبه کنندگان را و دوست میدارد پاك شوندگان را (۲۲۲).

نِسَآؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَاْتُوْا حَرْثَكُمْ اَنّٰى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوْا
لِاَنْفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاعْلَمُوْٓا اَنَّكُمْ مُّلٰقُوْهُ وَبَشِّرِ

زنانِ شما کشت زارِ شمایند پس بیائید به کشت زار خویش هر روش که خواهید[۳]

(۱) یعنی هربنده از بندگان خداکه مومن باشد وهرکنیز از کنیز های‌خدا که مومنه باشد بهتر است ازمشرك و مشرکه والله اعلم .

(۲) یعنی غسل بجاآرند .

(۳) یعنی بهرگونه که بخواهید می‌توانید جماع کردن (نزدیکی باهمسران خود) یعنی =

الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿٢٢٣﴾

وپیش فرستید یعنی اعمال صالحه را برای خویشتن و بترسید ازخدا و بدانید که شما باوی ملاقات خواهیدکرد و بشارت ده مسلمانان را (٢٢٣) .

وَلَا تَجْعَلُوا اللّٰهَ عُرْضَةً لِّاَيْمَانِكُمْ اَنْ تَبَرُّوْا وَتَتَّقُوْا وَتُصْلِحُوْا بَيْنَ النَّاسِ ۗ وَاللّٰهُ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ ﴿٢٢٤﴾

ومکنید نام خدا را آماج برای سوگندان خویش برای اینکه نیکوکاری کنید و پرهیزگاری نمائید و صلاح آرید درمیانِ مردمان وخدا شنوای داناست[1] (٢٢٤) .

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللّٰهُ بِاللَّغْوِ فِيْٓ اَيْمَانِكُمْ وَلٰكِنْ يُّؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ قُلُوْبُكُمْ ۗ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ حَلِيْمٌ ﴿٢٢٥﴾

موآخذه نمی کند شمارا خدا به بیهوده گوئی درسوگند های شما[2] ولیکن مواخذه می کند شمارا بآنچه که قصد کرده است دل های شما و خداآمرزندۀ بردباراست (٢٢٥) .

لِلَّذِيْنَ يُؤْلُوْنَ مِنْ نِّسَآئِهِمْ تَرَبُّصُ اَرْبَعَةِ اَشْهُرٍ ۚ فَاِنْ فَآءُوْ فَاِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿٢٢٦﴾

مرآنکسان راکه ایلامی کنند اززنان خویش[3] انتظار کردن چهار ماه است پس اگر باز گشتند یعنی ازین سوگند پس هر آئینه خدا آمرزندۀ مهربانست (٢٢٦) .

وَاِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَاِنَّ اللّٰهَ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ ﴿٢٢٧﴾

وا گر قصد کردند جدائی راپس هر آئینه خدا شنوای داناست (٢٢٧) .

وَالْمُطَلَّقٰتُ يَتَرَبَّصْنَ بِاَنْفُسِهِنَّ ثَلٰثَةَ قُرُوْٓءٍ ۗ وَلَا يَحِلُّ

وآن زنان که طلاق داده شد ایشان را انتظار سه حیض یاسه طهر کنانند خویشتن را وجائز نیست ایشان را اینکه

= غلطانده و ازپس پشت وغیرآن به شرط آنکه در قُبُل باشد (یعنی در مکان معروف) .

(١) یعنی سوگند برای موقوف کردن کارنیك جائزنیست .

(٢) یعنی لاوالله و بلی والله بغیر قصد گوید غلط دانسته سوگند خورد علی اختلاف المذهبین والله اعلم .

(٣) یعنی قسم می‌خورند که جماع نکنند .

لَهُنَّ أَن يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِن كُنَّ
يُؤْمِنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۚ وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ
فِي ذَٰلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا ۚ وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي
عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۚ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ ۗ
وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٢٨﴾

پنهان كنندآنچه خدا آفريده است در رحمهاى ايشان (يعنى ولد وحيض) ا گر ايمان آورده اند بخدا و روز بازپسين وشوهران ايشان سزاوار تراند به بازآوردن ايشان درحباله خود درين مدت ا گر خواهند نيكوكارى وزنان را هست مانند آنچه برزنان است بوجه پسنديده(۱) ومردان راهست برايشان بلندى يعنى فرمانروائى وخدا غالب استوار كا راست (۲۲۸) .

الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ ۖ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ
بِإِحْسَانٍ ۗ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَن تَأْخُذُوا مِمَّا
آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَن يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ ۖ
فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا
فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ ۗ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا ۚ
وَمَن يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٢٩﴾

طلاق (رجعى) دوباراست پس ازآن يانگاه داشتن ست بخوش خوئى يارها كردن به نكوئى وحلال نيست شمارا كه بگيريد چيزى راازآنچه داده ايدزنان را(۲) مگرآنگاه كه بترسند مرد و زن كه برپا نتوانند داشت احكام خدارا(۳) پس ا گر بترسيد اى مسلمانان ازآنكه برپاندارند اين هر دو احكام خدارا پس گناه نيست برايشان درآنچه عوض خود داد زن، اين حدهامقرر كرده خداست پس بيرون مرويد ازآنها وهركه بيرون رود ازحدود خدا پس آن گروه ايشانند ستمگاران (۲۲۹) .

فَإِن طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِن بَعْدُ حَتَّىٰ تَنكِحَ
زَوْجًا غَيْرَهُ ۗ فَإِن طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَن

پس ا گرطلاق داد (يعنى بارسوم) پس هرگز حلال نمى شود اين زن آن مرد را تا آنكه درآيد به نكاح شوهر ديگر (يعنى

---

(۱) يعنى زنان را برمردان حق است چنانچه مردان را برزنان حق است .
(۲) يعنى حلال نيست كه بدل طلاق از مهر بگيرد .
(۳) يعنى در معاشرت .

يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٢٣٠﴾

اودخول كند) پس اگر طلاق دادش این شوهر دیگر پس گناه نیست برآن هر دو در آنکه بازگردند بنکاح باهم اگر بدانند که برپامی توانند داشت احکام خدارا واین حدودِ خداست بیان میکندآن حدودرا برای قومی که میداند (٢٣٠) .

وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَٰلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٢٣١﴾

چون طلاق دادید زنان را پس رسید ند به میعاد خود[1] پس نگاه دارید ایشان را به نکوئی یارها کنید ایشان را به نکوئی ونگاه مدارید ایشان را برای ضرررسانیدن تا ستم کنید وهر که این کند پس هر آئینه ستم کردبرخود ومگیرید آیت های خدارا تمسخر ویادکنید نعمت خدارا برخویش وآنچه فرود آورد برشما ازکتاب وعلم که پندمیدهدشمارا بآن و بترسید از خدا وبدانید که خدا بهر چیز داناست (٢٣١) .

وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضَوْا بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ ذَٰلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَٰلِكُمْ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَأَطْهَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٢٣٢﴾

وچون طلاق دادیدزنان را پس رسیدند به میعاد خود[2] پس منع مکنید ایشان را ازآنکه نکاح کنند باشوهران خویش[3] وقتیکه بایك دیگر راضی شدند درمیان خویش به روش پسندیده این حکم پندداده میشود بآن هر کسی را که مومن باشدازشما بخدا وروز قیامت واین

(١) یعنی نزدیك رسیدند بانقضاعدّت .
(٢) یعنی عدتّ منقضی شد .
(٣) یعنی باشوهران سابق خود یاشوهران دیگرکه بایشان رغبت پیدا کردند .

کارخوشتراست وپاکیزه تر وخدا می داند وشمانمی دانید (۲۳۲) .

وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ
يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ ۚ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۚ
لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا ۚ لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ
لَهُ بِوَلَدِهِ ۚ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَٰلِكَ ۗ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ
تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا ۗ وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ
تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ
بِالْمَعْرُوفِ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا
تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٣٣﴾

ومـادران بـايـد كـه شيردهنـد فـرزنـدان خويش رادوسال تمام اين حكم آن راست كه خواهد تمام كردن مدت شير را وبر پدر نفقه و پوشاك اين زنان شيرده است بوجه پسنديده تكليف داده نمى شود برهيچ كس الاقدرتوانائى او رنج نبايدداد مـادر را بسبب فـرزنـد وى ونـه پـدررا بسبب فرزند وى ولازم است بروصى مانندااين پس اگر بخواهند مادر و پدر ازشير بازگرفتن (يعنى پيش ازدوسال) بعد رضامندى ميان يكديگر و مشورت كردن بايكديگر پس هيچ گناه نيست برايشان وا گر خواهيد كه دايه گيريد براى فرزندان خويش پس هيچ گناه نيست برشما چون تمام تسليم نموديد آنچه دادنش را مقرركرديد بخوش خوئى وبترسيد ازخدا وبدانيد كه خدا به آنچه مى كنيد بيناست (۲۳۳) .

وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ
أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا ۖ فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ
فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٢٣٤﴾

وكسانى كه بميرند ازشما وبگذارند زنان را بايدكه انتظاركنانندااين زنان خويشتن را چهارماه و ده روز پس چون رسيد ند به ميعاد[۱] خويش پس گناه نيست برشما درآنچه كردند درحق خويشتن بوجه پسنديده يعنى نكاح بطور شرع وخدا

(۱) يعنى به انقضاء عدّت .

بآنچه می کنید آ گاه ست (۲۳٤) .

وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَآءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ
فِيٓ أَنْفُسِكُمْ عَلِمَ اللّٰهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَلٰكِنْ لَّا تُوَاعِدُوهُنَّ
سِرًّا إِلَّآ أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَّعْرُوفًا وَلَا تَعْزِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ
حَتّٰى يَبْلُغَ الْكِتٰبُ أَجَلَهُ وَاعْلَمُوٓا أَنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ مَا فِيٓ
أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَاعْلَمُوٓا أَنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿٢٣٥﴾

ونیست گناه برشما درسخنی که کنایت کردید بوی ازخواستگاری زنان یعنی درمیان عدّت یا پنهان داشتید دردلهای خود دانست خداکه شما یاد خواهید کرداین زنان را یعنی آشکارا بعد از عدّت ولیکن وعده ندهید بایشان نکاح را به پنهانی مگر آنکه گوئید سخنی پسندیده را یعنی بکنایت وقصد مکنید عقد نکاح را تاآنکه رسد میعاد مقرر به نهایتِ خود وبدانید که خدامی‌داند آنچه دردلهای شماست پس بترسید ازوی وبدانید که خدا آمرزنده بُردباراست (۲۳٥) .

لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَّقْتُمُ النِّسَآءَ مَا لَمْ تَمَسُّوهُنَّ أَوْ
تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَّمَتِّعُوهُنَّ عَلَى الْمُوسِعِ قَدَرُهُ وَ
عَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ ﴿٢٣٦﴾

هیچ گناه نیست برشما ا گر طلاق دادید زنان را درآن وقت که هنوزدست نرسانیده ایدبایشان یا معین نکرده اید برای ایشان مقداری[1] وبهره دهید این چنین مطلقات را[2] لازم است برتوانگر مقدار حال او بهره دادن وبرتنگدست مقدارحال اوبهره دادن بخوشخوئی لازم شده برنیکوکاران (۲۳٦) .

وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمَسُّوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ
لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّآ أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَا
الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوٓا أَقْرَبُ لِلتَّقْوٰى وَ

وا گر طلاق داده اید زنان را پیش ازآنکه دست رسانید بایشان ومعین کرده باشید برای ایشان مقداری پس لازم است نیمه آنچه معین کردید مگر آنکه ببخشندزنان

---

(۱) یعنی مهر را .

(۲) یعنی پوشاك بدهید .

لَا تَنْسَوُا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللّٰهَ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ ﴿٢٣٧﴾

یادرگذرد کسیکه بدست اوست عقد نکاح یعنی زوج حق خود گذاشته تمام دهد و آنکه درگذرید نزدیك تراست به پرهیزگاری وفراموش مکنید احسان کردن را درمیان خویش هر آئینه خدا بآنچه می کنید بیناست (۲۳۷) .

حَافِظُوْا عَلَى الصَّلَوٰتِ وَالصَّلٰوةِ الْوُسْطٰى وَقُوْمُوْا لِلّٰهِ قٰنِتِيْنَ ﴿٢٣٨﴾

پایبندی‌کنید برهمه نمازها وبرنماز میانه (یعنی خصوصًا برنماز عصر) بایستید برای خدا فرمان بردارند گان (۲۳۸) .

فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَاذْكُرُوا اللّٰهَ كَمَا عَلَّمَكُمْ مَا لَمْ تَكُوْنُوْا تَعْلَمُوْنَ ﴿٢٣٩﴾

پس اگر ترسیدید یعنی از دشمن ومانند آن پس روان برپاهای خود نماز گذاریدیا سواره پس چون ایمن شوید پس یاد کنید خدارا چنانکه آموخته است شمارا آنچه نمی دانستید (۲۳۹) .

وَالَّذِيْنَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُوْنَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيْ مَا فَعَلْنَ فِيْ أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَعْرُوْفٍ وَاللّٰهُ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ ﴿٢٤٠﴾

وآنانکه قبض روح ایشان کرده شود ازشما و بگذارند زنان را لازم کرده شد برایشان وصیت کردن برای زنان خویش بآنکه بهره دهند ایشان را تایکسال بدون بیرون کردن پس اگر بیرون روند پس گناه نیست برشما درآنچه کردند درحق خویشتن ازکار پسندیده یعنی نکاح بطور شرع و خدا غالب استوار کاراست[1] (۲٤۰) .

وَلِلْمُطَلَّقٰتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوْفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِيْنَ ﴿٢٤١﴾

طلاق داده شدگانرا لازم است بهره مند ساختن بخوشخوئی یعنی نفقه وسکنی لازم کرده شد بر پرهیزگاران (۲٤۱) .

---

(۱) مترجم گوید این آیت نزدیك جمهور منسوخ است بآیت ﴿أربعة أشهروعشرا﴾ والله اعلم .

كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمْ اٰيٰتِهٖ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُوْنَ ﴿۲۴۲﴾

همچین بیان میکند خدا برای شمااحکام خودراتاباشد که شما بفهمید(۲٤۲) .

اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ خَرَجُوْا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ اُلُوْفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ
فَقَالَ لَهُمُ اللّٰهُ مُوْتُوْا ثُمَّ اَحْيَاهُمْ اِنَّ اللّٰهَ لَذُوْ فَضْلٍ عَلَى
النَّاسِ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُوْنَ ﴿۲۴۳﴾

آیا نه دیدی ای بیننده بسوی کسا نیکه بیرون آمدندازخانه های خویش و ایشان هزاران بودندازبیم مرگ پس گفت ایشان را خدا بمیرید بازرنده گردانید ایشان را هر آئینه خدا صاحب بخشائش است برمردمان و لیکن اکثر ایشان سپاس نمی کنند (۲٤۳) .

وَقَاتِلُوْا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَاعْلَمُوْا اَنَّ اللّٰهَ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ ﴿۲۴۴﴾

وجنگ کنید درراه خدا وبدانید که خدا شنوای‌داناست (۲٤٤) .

مَنْ ذَا الَّذِيْ يُقْرِضُ اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضٰعِفَهٗ لَهٗ اَضْعَافًا
كَثِيْرَةً وَاللّٰهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُۜطُ وَاِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ ﴿۲۴۵﴾

کیست آنکه وام دهد خدارا وام دادن نیك پس چندبرابر سازد خدا آن مال را برای اوبمراتب بسیار و خدا تنگ می سازد وکشاده می کند روزی راو بسوی اوبازگردانیده شوید (۲٤۵) .

اَلَمْ تَرَ اِلَى الْمَلَاِ مِنْ بَنِيْۤ اِسْرَآءِيْلَ مِنْ بَعْدِ مُوْسٰى اِذْ
قَالُوْا لِنَبِيٍّ لَّهُمُ ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُّقَاتِلْ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ قَالَ
هَلْ عَسَيْتُمْ اِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ اَلَّا تُقَاتِلُوْا قَالُوْا
وَمَا لَنَاۤ اَلَّا نُقَاتِلَ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَقَدْ اُخْرِجْنَا مِنْ
دِيَارِنَا وَاَبْنَآئِنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا اِلَّا قَلِيْلًا
مِّنْهُمْ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌۢ بِالظّٰلِمِيْنَ ﴿۲۴۶﴾

آیانگاه نکردی بجمعی ازبنی اسرائیل بعد از موسیٰ چون گفتند مر پیغامبر خویش را که بر انگیز برای ما بادشاهی تاجنگ کنیم درراه خدا گفت پیغامبر آیا نزدیك هستید ا گر واجب کرده شود بر شما جنگ این که جنگ نکنید گفتند وچه شده است مارا که جنگ نه کنیم درراه خدا وبتحقیق بیرون کرده شدیم ازخانه های خویش وجدا کرده شدیم ازفرزندان خویش پس آنگاه که واجب کرده شد بر ایشان جنگ رو گردانیدند مگراندکی از ایشان و خدا داناست به ستمگاران (۲٤٦) .

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا
قَالُوا أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ
مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِّنَ الْمَالِ ۚ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ
عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ ۖ وَاللَّهُ يُؤْتِي
مُلْكَهُ مَن يَشَاءُ ۚ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٤٧﴾

وگفت مرايشان را پيغامبرايشان هر آئينه خدا پادشاه مقرركرده است براى شما طالوت را گفتند چگونه باشد اورا پادشاهى برما وماسزاوار تريم به پادشاهى ازوى وداده نشده است وى رافراخى درمال گفت هر آئينه خدا برگزيده است اورابرشما وداده است اورا فراخى دردانش و افزونى دربدن وخدا مى‌بخشد پادشاهى خودرا بهر كه خواهد وخدا جواددانا است (٢٤٧) .

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَن يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ
سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ
تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿٢٤٨﴾

وگفت ايشان را پيغامبرايشان هر آئينه نشان پادشاهى اوآنست كه بيايد به شماصندوقى كه درآن آرام دلست از پروردگار شما وباقيمانده ازآنچه كه گذاشتند آل موسىٰ و آل هارون برميدارند اورا فرشتگان هر آئينه درين صورت نشانه است شمارا اگر باوردارنده ايد (٢٤٨) .

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُم بِنَهَرٍ
فَمَن شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَن لَّمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ
اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ ۚ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ ۚ فَلَمَّا جَاوَزَهُ
هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ ۚ
قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلَاقُو اللَّهِ كَم مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ

پس چون جدا شد (يعنى ازوطن) طالوت بالشكرها گفت هر آئينه خدا آزمائش كننده است شمارا بجوئى پس هركه بنوشدازآن جوى پس نيست ازآل من وهركه نچشد آنرا پس اوازآل من است الّاآنكه برداردیك كف آب بدست خود پس آشاميدند ازآن جوى مگراندكى ازايشان پس آنگاه كه گذشتند ازجوى طالوت و مومنان همراه اوگفتند نوشنلگان نيست توانائى مارا امروز بمقابله جالوت و لشكر هاى او گفتند آنانكه مى

غلبت فئة كثيرة بإذن الله والله مع الصابرين ﴿٢٤٩﴾

که ایشان ملاقات خواهند کردباخدا بسا گروهِ اندك غالب شد برگروه بسیار بارادهٔ خدا وخدابا شکیبایانست (٢٤٩) .

ولما برزوا لجالوت وجنوده قالوا ربنا أفرغ علينا صبرا
وثبت أقدامنا وانصرنا على القوم الكافرين ﴿٢٥٠﴾

وآنگاه به میدان آمدند برای جنگ جالوت ولشکر های وی این صالحان گفتند ای پروردگار مابریزبرما شکیبائی ومحکم کن قدم های مارا و غلبه ده مارا برگروه ناگرویدگان (٢٥٠) .

فهزموهم بإذن الله وقتل داود جالوت وآتاه الله الملك
والحكمة وعلمه مما يشاء ولولا دفع الله الناس
بعضهم ببعض لفسدت الأرض ولكن الله
ذو فضل على العالمين ﴿٢٥١﴾

پس شکست دادندآن کفار را بتوفیق خدا و کشت داود جالوت را ودادخدای تعالی داود را پادشاهی و علم وبیآموخت اورا ازآنچه میخواست و اگر نمی‌بود دور کردن خدا مردمان را گروهی را بدست گروهی هر آئینه تباه می‌شد زمین ولیکن خدا صاحب بخشائش است برعالم ها (٢٥١) .

تلك آيات الله نتلوها عليك بالحق وإنك لمن
المرسلين ﴿٢٥٢﴾

این هاآیات خداست میخوانیم آنرا برتو(ای محمد) براستی و هر آئینه تواز پیغامبرانی (٢٥٢) .

تلك الرسل فضلنا بعضهم على بعض منهم
من كلم الله ورفع بعضهم درجات وآتينا عيسى ابن
مريم البينات وأيدناه بروح القدس ولو شاء الله ما اقتتل
الذين من بعدهم من بعد ما جاءتهم البينات ولكن اختلفوا
فمنهم من آمن ومنهم من كفر ولو شاء الله ما اقتتلوا
ولكن الله يفعل ما يريد ﴿٢٥٣﴾

این پیغامبران فضل دادیم بعضی را ازایشان بر بعضی، ازایشان کسی هست که بااوسخن گفت خدا و بلند کرد بعضی را درمرتبه ها ودادیم عیسیٰ پسر مریم را معجزه ها وقوت دادیم اورا بروح القدس و اگر می‌خواست خدا بایکدیگر قتال نمی کردند آنانکه پس ازایشان بودند پس ازآنکه آمد بایشان حجت ها ولیکن اختلاف کردند پس ازایشان کسی هست که ایمان آورد واز ایشان کسی هست که

کافرشده واگرمی‌خواست خدابایکدیگر نمی جنگیدند ولیکن خدا میکند آنچه می خواهد (٢٥٣) .

يَٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوٓا أَنفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَٰكُم مِّن قَبْلِ أَن
يَأْتِيَ يَوْمٌ لَّا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَٰعَةٌ وَالْكَٰفِرُونَ
هُمُ الظَّٰلِمُونَ ﴿٢٥٤﴾

ای مسلمانان خرج کنید ازآنچه روزی دادیم شمارا پیش ازآنکه بیاید روزی که خرید و فروش نیست درآن روز ونه دوستی ونه سفارش و کافران ایشانند ظالمان (٢٥٤) .

اللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُۥ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ
لَّهُۥ مَا فِي السَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَن ذَا الَّذِي يَشْفَعُ
عِندَهُۥٓ إِلَّا بِإِذْنِهِۦ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ
وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِۦٓ إِلَّا بِمَا شَآءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ
السَّمَٰوَٰتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَـُٔودُهُۥ حِفْظُهُمَا وَهُوَ
الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ﴿٢٥٥﴾

خدا آنست که هیچ معبود برحقی نیست بجزوی زندهٔ تدبیر کنندهٔ عالم نمی گیرد او را (پینکی) یعنی خواب سبك ونه خواب اوراست آنچه درآسمانهاست وآنچه در زمین است کیست آنکه شفاعت کند نزد اوالابحکم او میداند آنچه پیش دست ایشان است و آنچه پس پشت ایشان است وفرانمیگیرند مردمان از معلومات حق چیزی را مگر بآنچه وی خواسته است فرا گرفته است کرسی اوآسمان ها و زمین را و گران نمی شود بروی نگهبانی این هردو واو بلند مرتبهٔ بزرگ قدراست (٢٥٥) .

لَآ إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَد تَّبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَن يَكْفُرْ
بِالطَّٰغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ
الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٥٦﴾

نیست جبرکردن برای دین(١) هر آئینه ظاهر شده است راه یابی ازگمراهی پس هرکه منکر طاغوت شود (یعنی معبودان باطل) وایمان آرد بخدا پس هر آئینه

---

(١) یعنی حجت اسلام ظاهر شدپس گویاجبر کردن نیست ا گر چه فی الجمله به صبر باشد والله اعلم .

چنگ زده است بدست آویزی محکم که نیست گُسِستن آنرا وخدا شنوای دانااست . (٢٥٦)

اَللّٰهُ وَلِيُّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا يُخْرِجُهُمْ مِّنَ الظُّلُمٰتِ اِلَى النُّوْرِ ۬ؕ وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْٓا اَوْلِيٰٓـئُهُمُ الطَّاغُوْتُ يُخْرِجُوْنَهُمْ مِّنَ النُّوْرِ اِلَى الظُّلُمٰتِ ؕ اُولٰٓـئِكَ اَصْحٰبُ النَّارِ ۚ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ﴿٢٥٧﴾

خداکارسازِ مومنان است بیرون می آرد ایشانرا ازتاریکی ها بسوی روشنی وآنانکه کافراند کارسازانِ ایشان طاغوت است (یعنی معبودان باطل) بیرون می آرند ایشان را از روشنی بسوی تاریکی ها این جماعت باشندگان دوزخندایشان درآنجا جاویدند (٢٥٧) .

اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِىْ حَآجَّ اِبْرٰهٖمَ فِىْ رَبِّهٖٓ اَنْ اٰتٰٮهُ اللّٰهُ الْمُلْكَ ۘ اِذْ قَالَ اِبْرٰهٖمُ رَبِّىَ الَّذِىْ يُحْىٖ وَيُمِيْتُ ۙ قَالَ اَنَا اُحْىٖ وَاُمِيْتُ ؕ قَالَ اِبْرٰهٖمُ فَاِنَّ اللّٰهَ يَاْتِىْ بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَاْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِىْ كَفَرَ ؕ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ ﴿٢٥٨﴾

آیاندیدی بسوی کسی که مکابره کرد باابراهیم دربارهٔ پروردگار او بخاطر آنکه داد او را خدا پادشاهی (یعنی نمرود) چون گفت ابراهیم پروردگار من آنست که زنده میکندومی میراند گفت آن کافرمن زنده می کنم ومی میرانم[1] گفت ابراهیم پس هر آئینه خدا می آرد خورشید را از مشرق پس توبیار آن را ازطرف مغرب پس مغلوب شدکافر وخدا راه نمی نماید گروه ستمگاران را . (٢٥٨)

اَوْ كَالَّذِىْ مَرَّ عَلٰى قَرْيَةٍ وَّهِىَ خَاوِيَةٌ عَلٰى عُرُوْشِهَا ۚ قَالَ اَنّٰى يُحْىٖ هٰذِهِ اللّٰهُ بَعْدَ مَوْتِهَا ۚ فَاَمَاتَهُ اللّٰهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهٗ ؕ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ ؕ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا

یامانندآن شخصی که گذشت بردهی ووی افتاده بود برسقفهای خود[2] گفت چگونه زنده کند این را خدا بعد از مردن آن

(١) یعنی به ستم مستحق کشتن رامی گذارم و کسی را که مستحق کشتن نیست می کشم والله اعلم .

(٢) مترجم گوید آن شخص عزیربود .

اَوْبَعْضَ يَوْمٍ ۗ قَالَ بَلْ لَّبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانْظُرْ اِلٰى
طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ ۚ وَانْظُرْ اِلٰى حِمَارِكَ
وَلِنَجْعَلَكَ اٰيَةً لِّلنَّاسِ وَانْظُرْ اِلَى الْعِظَامِ
كَيْفَ نُنْشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوْهَا لَحْمًا ۗ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهٗ ۙ
قَالَ اَعْلَمُ اَنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿٢٥٩﴾

پس میراند اورا خدای تعالی صدسال بعد ازآن برانگیختش گفت چه قدر درنگ کردی گفت درنگ کردم یك روز یا پاره ای ازروز گفت بلکه درنگ کردی صدسال پس نگاه کُن به سوی طعام خود وآشامیدنی خود که متغیر نشده ونگاه کُن بسوی الاغ خود ومی خواهیم که گردانیم ترانشانه ای برای مردمان ونگاه کُن بسوی استخوانها چگو نه به حرکت درمی آوریم آن رابعد ازآن می پوشانیم برآن گوشت راپس چون واضح شدش این حال گفت به یقین می دانم خدا برهمه چیز تواناست (٢٥٩) .

وَاِذْ قَالَ اِبْرٰهٖمُ رَبِّ اَرِنِيْ كَيْفَ تُحْيِ الْمَوْتٰى ۗ قَالَ اَوَلَمْ
تُؤْمِنْ ۗ قَالَ بَلٰى وَلٰكِنْ لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِيْ ۗ قَالَ فَخُذْ اَرْبَعَةً
مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ اِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلٰى كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ
جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَاْتِيْنَكَ سَعْيًا ۗ وَاعْلَمْ اَنَّ اللّٰهَ
عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ ﴿٢٦٠﴾

وآنگاه که گفت ابراهیم ای پروردگار من بنما مرا چگونه زنده می کنی مردگان را گفت خدا آیا باور نداری گفت آری باور داشته ام لیکن می خواهم که آرام گیرد دل من[1] گفت خدا پس بگیر چهارعدد از پرندگان پس بهم آورهمه را نزدیك خود قطعه قطعه بعد ازآن بگذار برهر کوهی پاره ای ازیشان بعد ازآن ندا کن ایشان را البته بیایند پیش توشتابان وبدان که خدا غالب استوار کار است (٢٦٠) .

مَثَلُ الَّذِيْنَ يُنْفِقُوْنَ اَمْوَالَهُمْ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ كَمَثَلِ
حَبَّةٍ اَنْۢبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِيْ كُلِّ سُنْۢبُلَةٍ مِّائَةُ حَبَّةٍ ۗ

صفت آنانکه خرج می کنند اموال خودرا درراه خدا مانند صفت یك دانه است که برویاند هفت خوشه رادرهرخوشه صد

(١) یعنی عین الیقین میخواهم والله اعلم .

وَاللّٰهُ يُضٰعِفُ لِمَنْ يَّشَآءُ ۗ وَاللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِيْمٌ ﴿٢٦١﴾

دانه است و خدا چندبرابرمی دهد هرکرا خواهد وخداجوادداناست (٢٦١) .

اَلَّذِيْنَ يُنْفِقُوْنَ اَمْوَالَهُمْ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُوْنَ
مَآ اَنْفَقُوْا مَنًّا وَّلَآ اَذًى ۙ لَّهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۚ
وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ ﴿٢٦٢﴾

آنانکه خرج می کنند اموال خودرا درراه خدا بازازپی آن انفاق نمی آرند منّت نهادن را و نه ایذارسانیدن را ایشانراست مزدایشان نزد پروردگار ایشان نیست ترس برایشان ونه ایشان اندوهگین شوند (٢٦٢) .

قَوْلٌ مَّعْرُوْفٌ وَّمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَّتْبَعُهَآ اَذًى ۗ
وَاللّٰهُ غَنِيٌّ حَلِيْمٌ ﴿٢٦٣﴾

سخن ملائم گفتن ودرگذشتن[١] بهتر است ازآن خیرات که ازپی آن آزرده کردن باشد و خدا بی نیاز بُردباراست (٢٦٣) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تُبْطِلُوْا صَدَقٰتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْاَذٰى ۙ
كَالَّذِيْ يُنْفِقُ مَالَهٗ رِئَآءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ
وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ ۗ فَمَثَلُهٗ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَاَصَابَهٗ
وَابِلٌ فَتَرَكَهٗ صَلْدًا ۗ لَا يَقْدِرُوْنَ عَلٰى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوْا ۗ وَاللّٰهُ
لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكٰفِرِيْنَ ﴿٢٦٤﴾

ای مومنان تباه مکنید خیرات خودرا به منت نهادن و آزرده کردن همچوکسیکه خرج می کند مال خود رابرای نمودن مردمان وایمان ندارد بخدا و روزقیامت پس صفت او مانند صفت سنگ صاف است که بروی باشداندك خاکی پس رسید بوی بارانی عظیم پس گذاشت اوراسخت وصاف مانده، توانائی ندارند اهل ریا برچیزی ازآنچه عمل کردند وخدا راه نمی نماید گروه کافران را[٢] (٢٦٤).

(١) ازبی ادبی سائل .

(٢) مترجم گوید حاصل این مثل آنست که عمل منان و مرائی دردنیا می‌نماید که عمل است و در آخرت نابود میشود و هیچ فائده نمی دهد چنانکه برسنگی خاك افتاده باشدو بظاهر چنان می نماید که قابل زراعت است و چون باران بارد محوشود والله اعلم .

وَمَثَلُ الَّذِيْنَ يُنْفِقُوْنَ اَمْوَالَهُمُ ابْتِغَآءَ مَرْضَاتِ اللّٰهِ وَ تَثْبِيْتًا مِّنْ اَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍۭ بِرَبْوَةٍ اَصَابَهَا وَابِلٌ فَاٰتَتْ اُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ ۚ فَاِنْ لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ ؕ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ ﴿۲۶۵﴾

وصفت آنانکه خرج می کنند مال های خویش راازجهت طلب رضامندی خدا وبسبب اعتقاد ناشی ازدلِ خویش مانند صفت باغی است بمکان بلند که رسید بوی بارانی عظیم پس آورد میوهای خودرا دوچندان وا گر نمی رسید اورا باران عظیمی پس شبنم کفایت میکرد و خدا بآنچه می کنید بیناست(۱) (٢٦٥) .

اَيَوَدُّ اَحَدُكُمْ اَنْ تَكُوْنَ لَهٗ جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيْلٍ وَّاَعْنَابٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ ۙ لَهٗ فِيْهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرٰتِ ۙ وَاَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهٗ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَآءُ ۖ فَاَصَابَهَآ اِعْصَارٌ فِيْهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ ؕ كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمُ الْاٰيٰتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُوْنَ ﴿۲۶۶﴾

آیا دوست میدارد یکی ازشماکه باشد اورا باغی ازدرختانِ خرماوانگور می رود زیرآن جویها مراورا هست درآن باغ هر جنس ازمیوها ورسیده باشد اورا کلان سالی و باشد اورا اولاد ناتوان پس درین حالت رسید آن باغ را گردبادی که درآن آتش است پس پاك بسوخت همچنین واضح می سازد خدا برای شما آیتها را تاباشد که تأمل کنید(۲) (٢٦٦) .

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْۤا اَنْفِقُوْا مِنْ طَيِّبٰتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّاۤ اَخْرَجْنَا لَكُمْ مِّنَ الْاَرْضِ ۪ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيْثَ مِنْهُ تُنْفِقُوْنَ وَلَسْتُمْ بِاٰخِذِيْهِ اِلَّاۤ اَنْ تُغْمِضُوْا فِيْهِ ؕ وَاعْلَمُوْۤا اَنَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ حَمِيْدٌ ﴿۲۶۷﴾

ای مومنان خرج کنید ازپاکیزه های آنچه شما کسب کردید واز پاکیزه های آنچه بیرون آوردیم برای شما اززمین وقصد مکنید ناپاك را ازآن خرج میکنید آن را ونیستید گیرنده آن مگر وقتیکه چشم پوشی کنید در گرفتن آن وبدانید که خدا

---

(۱) مترجم گوید حاصل این مثل آن ست که عمل اهل اخلاص فائده ها میدهداز سابقین باشد یا ازاصحاب یمین .

(۲) حاصل این مثل آن ست که عمل منان و مرائی دروقت شدت احتیاج نابود شود چنانکه بوستان این شخص دروقت شدت احتیاج به سوخت .

بی نیاز ستوده است (٢٦٧) .

اَلشَّيْطٰنُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَآءِ ۚ وَاللّٰهُ يَعِدُكُمْ مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا ۗ وَاللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِيْمٌ ۝٢٦٨

شیطان وعده میدهد به شما تنگدستی را ومی فرماید به بی حیائی شمارا وخدا وعده می کند به شما آمرزش را ازجانب خود و نعمت دادن را وخدا جواد دانا است (٢٦٨) .

يُّؤْتِى الْحِكْمَةَ مَنْ يَّشَآءُ ۚ وَمَنْ يُّؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ اُوْتِىَ خَيْرًا كَثِيْرًا ۗ وَمَا يَذَّكَّرُ اِلَّآ اُولُوا الْاَلْبَابِ ۝٢٦٩

میدهدحکمت را هرکه را خواهد وهرکه داده شد اورا حکمت پس هر آئینه داده شدنیکوئی بسیار وپندپذیر نه می شوند مگر خداوندانِ خرد (٢٦٩) .

وَمَآ اَنْفَقْتُمْ مِّنْ نَّفَقَةٍ اَوْ نَذَرْتُمْ مِّنْ نَّذْرٍ فَاِنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُهٗ ۗ وَمَا لِلظّٰلِمِيْنَ مِنْ اَنْصَارٍ ۝٢٧٠

وآنچه خرج کردید ازخیرات ویالازم کردید برخود از نذری پس هر آئینه خدا میداند آنرا ونیست ستمگاران را هیچ یاری دهنده (٢٧٠) .

اِنْ تُبْدُوا الصَّدَقٰتِ فَنِعِمَّا هِىَ ۚ وَاِنْ تُخْفُوْهَا وَتُؤْتُوْهَا الْفُقَرَآءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ ۗ وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِّنْ سَيِّاٰتِكُمْ ۗ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرٌ ۝٢٧١

ا گر آشکار کنید خیرات را پس نیکو چیز است آن وا گر پنهان کنید آنرا وبدهید آن را به فقیران پس این بهتراست شمارا ودور سازد ازشما بعض گناهان شمارا وخدا بآنچه می کنید آ گاه است (٢٧١) .

لَيْسَ عَلَيْكَ هُدٰىهُمْ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ يَهْدِىْ مَنْ يَّشَآءُ ۗ وَمَا تُنْفِقُوْا مِنْ خَيْرٍ فَلِاَنْفُسِكُمْ ۗ وَمَا تُنْفِقُوْنَ اِلَّا ابْتِغَآءَ وَجْهِ اللّٰهِ ۗ وَمَا تُنْفِقُوْا مِنْ خَيْرٍ يُّوَفَّ اِلَيْكُمْ وَاَنْتُمْ لَا تُظْلَمُوْنَ ۝٢٧٢

لازم نیست برتو(ای محمد) هدایت ایشان[1] لیکن خدا هدایت می‌کند هرکرامی خواهد و آنچه خرج کردیدازمال پس نفع برای ذات شماست ولائق نیست که خرج کنید مگر برای طلب رضای خدا وآنچه خرج کردیداز مال به تمام رسانیده شود بسوی شما (یعنی ثواب) او، وشما ستم کرده نخواهید

(١) یعنی ایصال مطلوب الی الله .

شد (۲۷۲) .

لِلْفُقَرَآءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ
لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ
أَغْنِيَآءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُم بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْـَٔلُونَ
النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُنفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ
بِهِ عَلِيمٌ ﴿٢٧٣﴾

خیرات برای آن فقیرانست که بندکرده شدند در راهِ خدا[۱] نمی توانند سفر کردن در زمین، توانگر می پندارد ایشان رانادان بسبب طمع نه کردن تومی شناسی ایشان را به قیافه ایشان سوال نمی کنند ازمردمان بالحاح وآنچه خرج کنید ازمال پس هر آئینه خدا بآن دانا است (۲۷۳) .

الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُم بِالَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا
وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ
عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٧٤﴾

کسانیکه خرج می کننداموال خویش را شب وروز پنهان و آشکارا پس ایشان راست مُزدایشان نزد پروردگار ایشان ونیست ترس برایشان ونه ایشان اندوهگین شوند (۲۷٤) .

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبٰوا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي
يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطٰنُ مِنَ الْمَسِّ ذٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوٓا إِنَّمَا الْبَيْعُ
مِثْلُ الرِّبٰوا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبٰوا فَمَن جَآءَهُ
مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَانتَهٰى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ
وَمَنْ عَادَ فَأُولٰٓئِكَ أَصْحٰبُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خٰلِدُونَ ﴿٢٧٥﴾

کسانیکه میخورند سودرا برنه خیزند یعنی از گور مگر چنانکه برمی خیزد کسی که دیوانه ساخت اورا شیطان به سبب آسیب رسانیدن، این بسبب آنست که سود خوران گفتندجزاین نیست که سودا گری مانند سود است وحالانکه حلال کرده است خدا سودا گری را و حرام ساخته سود را پس کسی که آمد بوی پند ازجانب پروردگاراو پس بازماند ازین کار پس اوراست آنچه گذشت و کاراو مفوض است بخدا[۲] وهر که

(۱) یعنی بسبب اشغال بجهاد کسب کردن نمی توانند والله اعلم .
(۲) یعنی سودی که قبل آیت تحریم گرفته بازگردانیدنش لازم نیست والله اعلم .

بازگشت بسود خوری[1] پس آن گروه باشندگان دوزخ اندایشان درآنجاجاویدند (٢٧٥) .

يَمْحَقُ اللّٰهُ الرِّبٰوا وَيُرْبِي الصَّدَقٰتِ ۗ وَاللّٰهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ
كَفَّارٍ اَثِيْمٍ ﴿٢٧٦﴾

نابودمی سازد خدا برکت سود را و افزون می سازد برکت خیرات را و خدا دوست ندارد هرناسپاس گنهگاررا (٢٧٦) .

اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَاَقَامُوا الصَّلٰوةَ
وَاٰتَوُا الزَّكٰوةَ لَهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۚ وَلَا خَوْفٌ
عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ ﴿٢٧٧﴾

هر آئینه کسانیکه ایمان آورده اند وکردند کارهای شائسته وبرپاداشتند نمازرا ودادند زکوٰة را مرایشان راست مُزد ایشان نزدِ پروردگار ایشان ونیست ترس بر ایشان ونه ایشان اندوهگین شوند (٢٧٧) .

يٰاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَذَرُوْا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبٰوا
اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ﴿٢٧٨﴾

ای کسانیکه ایمان آوردید بترسید ازخدا وترك کنید آنچه مانده است ازسود ا گر هستید ازاهل ایمان (٢٧٨) .

فَاِنْ لَّمْ تَفْعَلُوْا فَاْذَنُوْا بِحَرْبٍ مِّنَ اللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ ۚ وَاِنْ
تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوْسُ اَمْوَالِكُمْ ۚ لَا تَظْلِمُوْنَ
وَلَا تُظْلَمُوْنَ ﴿٢٧٩﴾

پس ا گر نه کردید پس خبردار باشید به جنگی ازطرف خدا ورسول او وا گر توبه کردید پس شما راست اصل مال های شما نه شما ستم کنید ونه برشماستم کرده شود (٢٧٩) .

وَاِنْ كَانَ ذُوْ عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ اِلٰى مَيْسَرَةٍ ۚ وَاَنْ تَصَدَّقُوْا
خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ﴿٢٨٠﴾

وا گر باشد مفلسی پس لازم است مهلت دادن تاتوانگری وآنکه خیرات کنید بهتر است شمارااگر هستید داننده (٢٨٠) .

وَاتَّقُوْا يَوْمًا تُرْجَعُوْنَ فِيْهِ اِلَى اللّٰهِ ۗ ثُمَّ تُوَفّٰى كُلُّ نَفْسٍ
مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُوْنَ ﴿٢٨١﴾ ع

وبترسید ازآن روزکه باز گردانیده شوید درآن بسوی خدا پس تمام داده شود هر شخصی را آنچه عمل کرده است وایشان ستم کرده نه شوند(٢٨١) .

---

(١) یعنی بعد ازتحریم .

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا تَدَايَنتُم بِدَيۡنٍ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗى
فَٱكۡتُبُوهُۚ وَلۡيَكۡتُب بَّيۡنَكُمۡ كَاتِبُۢ بِٱلۡعَدۡلِۚ وَلَا يَأۡبَ كَاتِبٌ أَن
يَكۡتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ ٱللَّهُۚ فَلۡيَكۡتُبۡ وَلۡيُمۡلِلِ ٱلَّذِي عَلَيۡهِ ٱلۡحَقُّ
وَلۡيَتَّقِ ٱللَّهَ رَبَّهُۥ وَلَا يَبۡخَسۡ مِنۡهُ شَيۡـٔٗاۚ فَإِن كَانَ ٱلَّذِي عَلَيۡهِ
ٱلۡحَقُّ سَفِيهًا أَوۡ ضَعِيفًا أَوۡ لَا يَسۡتَطِيعُ أَن يُمِلَّ هُوَ فَلۡيُمۡلِلۡ
وَلِيُّهُۥ بِٱلۡعَدۡلِۚ وَٱسۡتَشۡهِدُواْ شَهِيدَيۡنِ مِن رِّجَالِكُمۡۖ فَإِن
لَّمۡ يَكُونَا رَجُلَيۡنِ فَرَجُلٞ وَٱمۡرَأَتَانِ مِمَّن تَرۡضَوۡنَ مِنَ
ٱلشُّهَدَآءِ أَن تَضِلَّ إِحۡدَىٰهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحۡدَىٰهُمَا ٱلۡأُخۡرَىٰۚ
وَلَا يَأۡبَ ٱلشُّهَدَآءُ إِذَا مَا دُعُواْۚ وَلَا تَسۡـَٔمُوٓاْ أَن تَكۡتُبُوهُ
صَغِيرًا أَوۡ كَبِيرًا إِلَىٰٓ أَجَلِهِۦۚ ذَٰلِكُمۡ أَقۡسَطُ عِندَ ٱللَّهِ وَأَقۡوَمُ
لِلشَّهَٰدَةِ وَأَدۡنَىٰٓ أَلَّا تَرۡتَابُوٓاْ إِلَّآ أَن تَكُونَ تِجَٰرَةً حَاضِرَةٗ
تُدِيرُونَهَا بَيۡنَكُمۡ فَلَيۡسَ عَلَيۡكُمۡ جُنَاحٌ أَلَّا
تَكۡتُبُوهَاۗ وَأَشۡهِدُوٓاْ إِذَا تَبَايَعۡتُمۡۚ وَلَا يُضَآرَّ كَاتِبٞ
وَلَا شَهِيدٞۚ وَإِن تَفۡعَلُواْ فَإِنَّهُۥ فُسُوقُۢ بِكُمۡۗ
وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۖ وَيُعَلِّمُكُمُ ٱللَّهُۗ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ ٢٨٢

ای مومنان ا گرمعامله کنید بایکدیگر به وام دادن تامیعاد مقرر پس بنو یسید آن را وباید که بنویسد میان شما نویسنده بانصاف وسربازنزند نویسنده ازآنکه نویسد چنانچه آموخته است اورا خدا پس بایدکه وی بنویسد واملاء کندآنکه وام بذمهٔ وی است وبایدکه بترسد ازخدا پروردگار خود و نقصان نکند ازآن وام چیزی را پس ا گر باشد کسیکه وام بذمهٔ وی است بی خرد یا ناتوان یا نمی تواند املاء کردن پس باید که املاء کند کارگذاراو بانصاف و گواه گیرید دوشاهد را ازمردان خویش(۱) پس ا گر نه باشند دومرد پس یك مرد ودوزن کفایت است ازکسانیکه رضامند باشید از گواهان(۲) تا ا گر فراموش کندیك زن یاد دهاند یکی دیگررا وباید که سرباز نه زنند گواهان آنگاه که طلبیده شوند ومانده مشوید ازآنکه نویسید حق را اندك باشد یابسیارتا میعاد وی این باانصاف تر است نزدِ خدا ودرست تر برای گواهی وقریب تر ازآنکه درشك نشوید مگر وقتیکه باشد آن معامله سوداگری دست بدست که دستگردان می کنید آن رامیان خویش پس نیست برشما گناه درآنکه نه نویسید آن را و گواه گیرید هر گاه که خرید و فروخت

(۱) یعنی ازمسلمانان .
(۲) یعنی از مسلمانان امین متقی .

کنید وباید که رنج داده نشود نویسنده ونه گواه واگر بکنید این کار را پس هر آئینه این گناه است شمارا وبترسید از خدا ومی آموزدشمارا خدا وخدا بهر چیز داناست (۲۸۲) .

وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهٰنٌ مَّقْبُوضَةٌ فَإِنْ
أَمِنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي اؤْتُمِنَ أَمٰنَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللّٰهَ
رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهٰدَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ
وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿٢٨٣﴾

وا گر مسافر باشید ونیابید نویسنده را پس لازم است گروبدست آورده شده پس ا گر امین داند گروهی از شما گروهی را پس باید که اداکند آن کس که امین دانسته شد امانت خود را وباید که به ترسد از خدا پروردگار خود وپنهان نکنید گواهی را وهر که پنهان کند آن را پس هر آئینه گناهگار است دل او خدا بآنچه می کنید آ گاه است (۲۸۳) .

لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبْدُوا مَا فِي
أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللّٰهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ
يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللّٰهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٨٤﴾

خدا راست آنچه در آسمان هاست وآنچه در زمین است وا گر آشکار کنید آنچه دردل شما است(۱) یاپنهان دارید آنرا البته حساب آن بگیرد ازشما خدا پس بیامرزد کسی را که خواهد وعذاب کند کسی را که خواهد وخدا برهمه چیز تواناست (۲۸٤) .

آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ
كُلٌّ آمَنَ بِاللّٰهِ وَمَلٰئِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ

باور داشت پیغامبر آنچه فرودآورده شد بسوی اواز پروردگار اوومومنان نیز همه ایمان آوردند بخدا و فرشتگانِ اُو وکتاب های اُوو پیغامبران اُو و گفتند فرق نمی

(۱) یعنی ازقسم نفاق و اخلاق وحسدو نصیحت ومثل آن نه از قسم حدیث نفس والله اعلم .

بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ ۚ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا ۖ
غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٢٨٥﴾

گذاریم میان هیچ کسی ازپیغامبران او[(١)] وگفتند شنیدیم و فرمانبرداری کردیم میخواهیم آمرزش توای پروردگار ماوبسوی تواست باز گشت (٢٨٥) .

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ۚ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا
اكْتَسَبَتْ ۗ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا ۚ رَبَّنَا
وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن
قَبْلِنَا ۚ رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ۖ وَاعْفُ عَنَّا
وَاغْفِرْ لَنَا ۚ وَارْحَمْنَا ۚ أَنتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ
الْكَافِرِينَ ﴿٢٨٦﴾

خدا واجب نمی کند برهیچ کس الامقدار طاقت او مراوراست آنچه عمل کرد و بروی باشد آنچه گناه کرد گفتند ای پروردگار مابعقوبت مگیر مارا اگر فراموش کنیم یا خطاکنیم ای پروردگار ماومنه برسرمابار گران چنانکه نهادی آنرا برکسانیکه پیش ازمابودند ای پروردگار ماومنه برسرماآنچه توانائی آن نیست مارا و درگذرازما وبیامرزمارا وبه بخشای مارا توئی خداوند ماپس غلبه ده مارابر گروه کافران (٢٨٦) .

سُورَةُ آلِ عِمْرَانَ

سوره آل عمران مدنی است و آن دو صد آیت و بیست رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

الم ﴿١﴾

الٓمّ (١) .

اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ﴿٢﴾

خدا آن ذات است که نیست هیچ معبود برحقی مگر اوزندهٔ تدبیرکنندهٔ عالم است (٢) .

نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ
وَأَنزَلَ التَّوْرَاةَ وَالْإِنجِيلَ ﴿٣﴾

فرود آورد برتو کتاب را براستی باور دارندهٔ آنچه پیش دست وی است و فرود آورد تورات و انجیل را (٣) .

---

(١) یعنی بعض را معتقد و بعض رامنکرنمی باشیم .